

طرحهای جدید برای غارت و به جبهه کشاندن کارگران کشور

سرحدی زاده وزیر کار و امور اجتماعی:

کلیه کارگران کشور باید هم سرباز و هم تولیدکننده باشند

شیرو اظهار داشت: "هنوز همه مردم در جنگ حضور ندارند و باید تمام قدرت و توان خود را به کار ببریم - هم چنین صنعت ما باید در اختیار جنگ قرار گیرد، امروز از مدیران صنعتی انتظار داریم ضمن پاسخ به مسئولین در زمینه تامین نیازهای جنگ، برنامه های جدید ارائه دهند. باید برای جابجایی تاسیسات صنعتی طرح و نقشه های جدید تهیه کنیم..."

وزیر کار در ادامه سخنان خود با تاکید بر لزوم بسیج و اعزام سراسری کارگران به جبهه ها، افزود: "باید هم سرباز و هم تولیدکننده باشیم و در همه حال آمادگی حضور در جبهه های جنگ را داشته باشیم و زندگی و جنگ را در هم ادغام کنیم."

وی به صاحبان و مدیران کارخانجات وعده داد در صورت اعزام کارگران به جبهه، از تسهیلات و حمایت دولت و وزارت کار برخوردار خواهند بود. سرحدی زاده تاکید کرد: "چنانچه جبهه های جنگ را بیاری کنید، مطمئن باشید کسی شما را زیر سوال قرار نخواهد داد."

قائم مقام ستاد پشتیبانی جنگ به دنبال سخنان سرحدی زاده اعلام کرد که از این پس مدیران کارخانجات برای کارگران خود "دفترچه ذخیره آخرت" می گشایند و کارگران کمک نقدی خود به جبهه راه این "دفترچه" ها و اریز می کنند.

بنا به اظهار قائم مقام ستاد پشتیبانی جنگ، "طرح دفترچه ذخیره آخرت کارگران"، هم اکنون در تهران در کارخانه های داروسازی ابوریحان، کارخانجات پارس میخو، گروه صنعتی بهشور، کارخانه های پارس خودرو، زامیاد و خاور، کارخانه آجرسفال و... به مورد اجرا گذاشته شده است. در بقیه در صفحه ۴

در تهران روز شنبه ۴ مهر، گروههایی های مشترک مدیران، مسئولین انجمن ها و شوراهای اسلامی، بسیج کارخانجات و شرکت های استان های مرکزی و تهران با شرکت سرحدی زاده و وزیر کار، افشار سخنگوی سپاه پاسداران و سایر فرماندهان نظامی در سالن جنگ "سپاه یکم ثارالله" برگزار شد. در این گروههایی سرحدی زاده با اشاره به تصمیم تازه در مورد ادامه جنگ و بسیج باز هم بیشتر



دوشنبه ۲۰ مهر ۱۳۶۶ برابر ۱۲ اکتبر ۱۹۸۷
بها ۸۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۷۸

تشدید تشنج در خلیج فارس

آمریکا و جمهوری اسلامی علیه صلح

اسلامی متوجه یک کشتی آمریکایی بوده و این کشتی قصد داشته به سمت ناو آمریکایی شلیک کند، که با شنیدن اخطار ناو مزبور، از دست زدن به حمله منصرف گردیده است. جمهوری اسلامی در مقابل، در پایان هفته گذشته اعلام کرد که ناوهای آمریکایی قصد داشته اند مسیر یک هواپیمای ایرانی را منحرف کنند. انتشار خبرهایی از این دست، همه حاکی از آماده بودن زمینه برای بروز یک درگیری تازه بودند. درگیری اخیر یک یار دیگر نشان داد که جنگ طلبی جمهوری اسلامی و تشنج طلبی آمریکا، بقیه در صفحه ۳

هم چنین ادعا کرده که پس از این حادثه یک هلی کوپتر آمریکایی را سرنکون ساخته است. این خبر از سوی آمریکا تکذیب شد. این دومین برخورد نظامی بین جمهوری اسلامی و نیروهای آمریکایی مستقر در خلیج فارس و دریای عمان است. ۱۷ روز پیش از این درگیری، آمریکا یک کشتی جمهوری اسلامی به نام "ایران اهر" را در ۸۰ کیلومتری بحرین به تصرف درآورده بود و دنبال حمله به کشتی ایران اهر و غرق آن بر لفظه احتمال می رفت که درگیری های تازه ای پیش آید. در روز شنبه هفته گذشته، آمریکا اعلام کرد که رادار یک کشتی جنگی جمهوری

با حمله آمریکا به سه قایق رزمی جمهوری اسلامی، تشنج در خلیج فارس به شدت بالا گرفت. در شب جمعه ۱۷ مهر، هلی کوپترهای آمریکایی به چهار قایق جمهوری اسلامی در نزدیکی جزیره فارسی حمله بردند. یک قایق گریخت و سه قایق غرق شد. ۶ نفر کشته شدند و ۶ نفر - که دونفر از آن ها زخمی هستند - به اسارت درآمدند. آمریکا مدعی است که این حمله در پاسخ به تیراندازی به سمت یک هلی کوپتر آمریکایی صورت گرفته است. جمهوری اسلامی در مقابل ادعا می کند که از طرف این قایق ها به سمت هلی کوپتر آمریکایی، تیراندازی نشده است. جمهوری اسلامی

نیوشا فرهی درگذشت

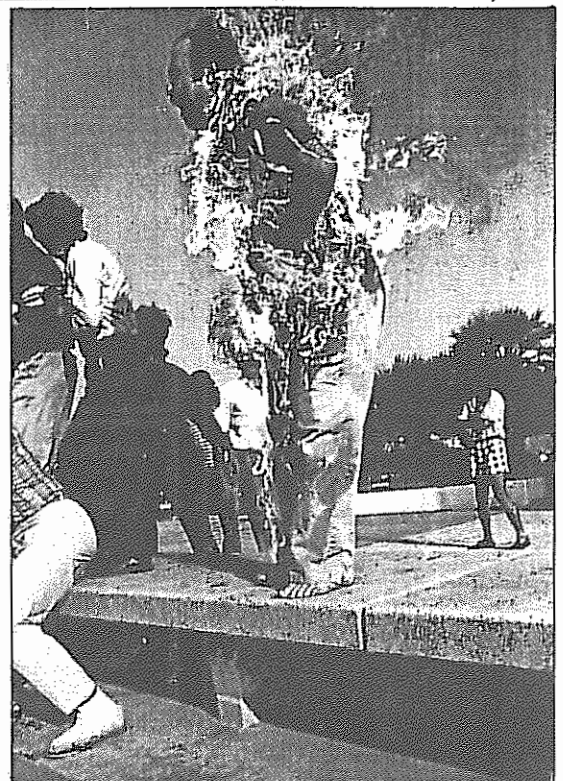
پیام رسانی نبودند، شاید همه نیوشا نباشد، شاید ندانند، شاید فهم سخنان را نتوانند، شاید بار کلام را درنمایند. بگذار با جان سخن بگویم، آتش بر جان زخم ورخته در همه جان ها بجویم. در او همه می سوزند و او اکنون در همه دل ها و در همه وجدان های بیدار می سوزد.

* * *

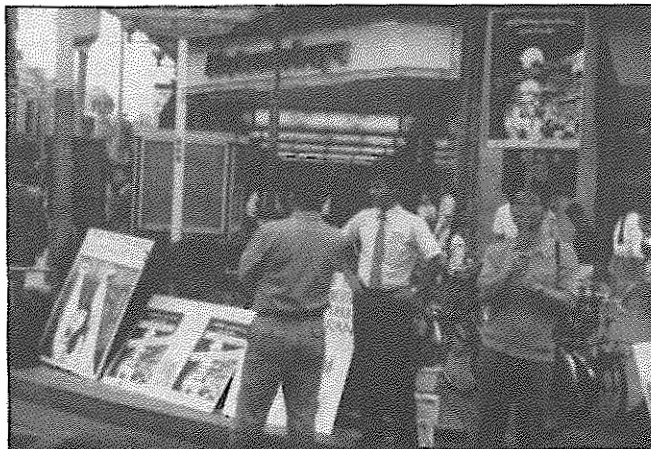
نیوشا فرهی - هوادار سازمان چریک های فدایی خلق ایران - در اعتراض به سفر رئیس جمهور رژیم یلید خمینی به آمریکا برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل، آتش در پیکر خود زد. خودسوزی او انعکاسی جهانی یافت و تنگ و نفرت بیشتری نصیب رژیم خون آشام فقها کرد. بقیه در صفحه ۳

با واژه ها می توان سخن گفت به نرمی، و نیز می توان فریاد کشید. می توان سخن نگفت، لبخند زد - در برابر دوست - و مشت برافراشت - در برابر خصم. می توان بر تار چنگ زد و بر طبل کوفت. می توان به رنگ ها، سخن گفتن آموخت. و نیز می توان آتش وار سخن گفتن راه تیری و انهدا تا پیامت را از دل قرون و اعصار بگذراند و به گوش آیندگان برساند. انسان را هزار زبان است. می تواند هر چیزی را به کلمه و پیام بدل سازد و به اشیا سخن گفتن آموزد.

در نیوشا، آتش به سخن درآمد. نیوشا به آتش سخن گفتن آموخت. پیکرش را شعله و ساخت تا آتش، پیام گزارش باشد، به تکرید به عربانی! بر ما این گونه ستم می رود. این نه من، بلکه خلقی است که می سوزد. برای نیوشا، کلمات دیگر شایسته



تظاهرات ضد جنگ ایران و عراق در ژاپن



روز دوم مهرماه یکی از مراکز پر تجمع شهر توکیو محل برپایی تظاهرات ایستاده "کمیته دفاع از مردم ایران در ژاپن" بود. در این اقدام اعتراضی و افشاگرانه پوسترها و پلاکاردهایی حاوی خواستهای صلح طلبانه و آزادیخواهانه مردم ایران به نمایش گذاشته شد و طی آن مبارزین ژاپنی عضو این کمیته - وابسته به دو سازمان مترقی ژاپنی پناهگاههای شیرواندو و شاکای شوکی - سابلند کوسخنائی درباره جنگ، شکنجه و اختناق در ایران ایراد کردند.

همچنین در افشای جنایات رژیم جنگ طلب خمینی به شکل وسیع اعلامیه‌هایی به زبانهای انگلیسی و ژاپنی پخش گردید؛ مضمون این اعلامیه‌ها حمایت بسیاری از مردم مواجه شد.

این تظاهرات که از ساعت ۱ بعد از ظهر آغاز شده بود در ساعت ۴ بعد از ظهر با مداخله پلیس پایان یافت. افراد پلیس که با لباس مبدل در محل حضور یافته بودند ایرانیان شرکت‌کننده را مورد بازجویی قرار دادند.

در بخشی از اعلامیه‌ای که میان مردم پخش شد بر خواستهای زیر تاکید شده بود:

۱ - دولت ایران باید قطعنامه شماره ۵۹۸ سازمان ملل را پذیرفته و جنگ را فوراً قطع کند.

۲ - کلیه زندانیان سیاسی در ایران باید بی درنگ آزاد شوند.

۳ - شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی باید پایان یابد.

اعتصاب غذای خشک پناهندگان سیاسی ایران در تایلند

اعتراضی و منجمده اقدام به اعتصاب غذا در تاریخ ۱۹ تیرماه سال جاری در بانکوک، دفتر سازمان ملل تنها از روی چهار واداره انجام اقدامات مقطعی دست و پاشسته‌ای گردید. این اقدامات هم به تدریج رنگ باختند و مشکلات آنها برجاماند. پناهجویان در ادامه حرکات اعتراضی خود مجدداً از ساعت ۶ صبح دوشنبه پنجم اکتبر دست به اعتصاب غذای خشک زده‌اند. اعتصاب‌گران اعلام کرده‌اند که تا تحقق حقوق قانونی‌شان اعتصاب را ادامه خواهند داد. آنان تاکید کرده‌اند:

"پناهندگان ایرانی، ادامه شکنجه‌های خمینی است". این گروه اؤهم وطنان ما می‌رسند به چو سازمان ملل کدام مرجع قانونی دیگری مسئول رفع مشکلات پناهندگان ایرانی است؟

تاکنون نه تنها بسیاری از پناهندگان قادر به خروج از تایلند نشده‌اند بلکه عده زیادی از آنان حتی موفق به اخذ کارت پناهندگی از سازمان ملل هم نشده‌اند. از این رهکار مشکلات مالی فشار فرسایده‌ای را به آنان تحویل کرده است.

ما ضمن اعلام همبستگی و پشتیبانی از خواست‌های پناهجویان ایرانی در تایلند، از همه مراجع حقوقی بین‌المللی می‌خواهیم به دفاع از آن‌ها برخاسته، همه کوشش‌های خود را برای احقاق حقوق انسانی این دسته از پناهجویان ایرانی به کار گیرند.

زیر سایه سرشیزه جمهوری اسلامی، ایران کشور اشغال شده‌ای را می‌ماند که اشغالگران آن ویرانی شادی و امید را به انتظارنشته‌اند. آسان فقر، آوارگی، گرسنگی و کشتار مردم ما را وثیقه بقای ننگین خود کرده‌اند. وجه انبوهند مردمی که برای نجات از چنگال خوفین اشغالگران با کوله‌بار خاطره‌ها بر دوش و بغض تلخ جدایی‌ها در گلو، در جستجوی پناهگاه رنج زندگی در غربت راه‌ها چان‌خریده‌اند.

پناهجویان از قربانگاه ولایت فقیه می‌گریزند، به ترکیه و پاکستان گام می‌گذارند. ولی حکومت‌های این کشورها در چشمان این آوارکان رویای زندگی در صلح و آزادی را می‌خوانند و از این رو تا آن‌جا که قادر باشند پناهجویان را تحت فشار قرار می‌دهند. بدین‌خاطر طی ماه‌های اخیر با توجه به تقریباً بسته شدن راه ورود به کشورهای اروپایی از طریق این دو کشور، عده‌ای از آنان عازم تایلند شدند. این عده اؤهم میهنان ماکه تنها امیدشان دفتر سازمان ملل در تایلند است و قاعدتاً می‌باید از طریق این نهاد از کشور ثالثی پناهندگی بگیرند معمولاً با برخورد غیرمسئولانه و خشن آن مواجه بوده‌اند. علاوه بر این فشارها تضییقات پلیس رژیم آمریکایی تایلند هم آرامش را از پناهجویان ربوده است.

خواست‌های قانونی و برحق این دسته از هم‌وطنان ما همواره بی‌پاسخ مانده است و علیرغم چندین حرکت

راهپیمایی ضد جنگ در واشنگتن



افکنده بود.

نماینندگان و فعالین قریب ۲۵ حزب، سازمان و نهاد سیاسی و اجتماعی با شرکت در راهپیمایی و اعلام پشتیبانی از آن همبستگی خود را از بیکار مردم ایران و عراق برای پایان دادن به جنگ خائنانه سوژ دو کشور ابراز داشتند. از آن جمله اند:

واحدهای حزب کمونیست آمریکا در واشنگتن، مریلند، ویرجینیا، مرکز صلح واشنگتن، فدائیان خلق (اکثريت) - واشنگتن، اتحادیه دمکراتیک عراقی‌ها، کمیته برای فلسطین دمکراتیک، اتحاد جوانان کره، کمیته صلح هیروشیما - ناکازاکی و...

شرکت کنندگان در راهپیمایی خواهان قطع فوری جنگ، خروج

در آستانه هشتمین سال جنگ ایران و عراق بنا به دعوت "کمیته برای صلح و آزادی در ایران و عراق"، روز دوشنبه ۲۰ شهریور راهپیمایی اعتراض آمیزی در واشنگتن صورت گرفت. این راهپیمایی از مقابل دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی آغاز و تا برابر سفارت عراق ادامه یافت. این راهپیمایی که روز قبل از سخنرانی خامنه‌ای در سازمان ملل به وقوع پیوست، به نمایش اعتراض شرکت کنندگان علیه حضور رئیس‌جمهور خمینی در این نهاد بین‌المللی نیز تبدیل گردید.

در سرتاسر مسیر راهپیمایی فریاد شعارهایی چون، "ما صلح می‌خواهیم، جنگ را قطع کنید"، "مرگ بر خمینی، مرگ بر صدام"، "آمریکا باید از خلیج فارس بیرون رود"، "طنین

کشور و پایان دادن به اختناق در ایران و عراق گردیدند.

نیروهای خارجی از خلیج فارس، خاتمه هرگونه فروش اسلحه به هر دو

نیوشا فرهی درگذشت

بقیه از صفحه اول

نیوشا در روز جمعه هفته قبل در گذشت. ۷۰ درصد بدنش سوخته بود. در مرگش هیچ سخنی پرمعنا تر از این بیت حافظ نیست که او در وصیت نامه اش نگاشته است:

مرکز شمیرد آن که دلش زنده شد به عشق
ثبت است بر جریده عالم دوام ما

این نه آتش، که پیام است. نیوشا این گونه سخن گفت...



آخرین دستخط نیوشا

« هرگز نپیرانکه ریش زنده سده عشق

ثبت است در جریده ی عالم ما »

بسیار است این به حضور خاتمه یی جلالت سازمان ملل متحد، و نیز اعتراض به سیاست های خارجی اولتر راست دولت رنجان، و همچنین اعتراض به عملکرد رژیم آلدر فیه - فاسیست های شاه ای که همین در زندیت باطن های ستمدیه ایران پای می خسارند؛

خود را به آتش می کشم.

به استقبال مرگ می شتابم، چرا که عاشق مرگ نیستم و به زندگی روستا باقی هم افتادارم ایاب و ناله میر در راه مرگ کام بری دارم چون عاشق زندگی ام، و نیز مانند هم جان سوزی مژول دیگر، و تنگ می دانم که: « آنکس که جان نذر به جانان می رسد ».

در روز گفته ام اگر بگویم که نمی ترسم و نیز اگر مدعی شوم که هوشم شهادت است. اما اگر صبر و شکیبایی لازم کند، مرگ را می پذیرم و آنوقت شاید بر یک لبه تا نیری راسته باشم. شوق من رنگین تر از خون خلق کرد، باز زبان حامله می که اندام سده اند و باز نانی که به سنج برین اشکال شکنجه می گردند (و باقی آن زبان که در دستوی از هفت بهار و خنک، و بزمی می سرزبان می آید هستند)، نیست؛ اگر چه شهادت، ایمان و بزرگی آسانا اندام و بطریق اولی به انداز می آید عاشق نیستم. تناسمی می بینم در زندگی می حامله، صدایم دیده و ترنادهای ام این بوده است که زنده به آن دوره ام که آرام و قرار نداشته ام. همین.

مرگ بر این یالیم جانی به سرگردی آید یالیم آمریکا

مرگ بر نظام ولایت فقیه

نابود بانجور میلای فرارستم ساهی

در روز به زندگی

در روز به آزادی

در روز به خلق هلمار و خنده ی جان سوم

در روز به ایران و همه ی خلق هلمار و شانت

در روز به نیروها انقلابی و جیب ایران و جا

در روز به کویتیم

آمریکا و جمهوری اسلامی علیه صلح

بقیه از صفحه اول

دقیقا مکمل یکدیگرند. آنها در عمل متحدانه علیه هر قراری صلح، عمل می کنند. حادثه حمله به کشتی ایران اجر و متعاقبا حمله به سه قایق رومی جمهوری اسلامی دورنمای استقرار آرامش در منطقه را تیره و تار ساخت. بروز این درگیری ها، در شرایطی که قطعنامه ۵۹۸ به تصویب شورای امنیت رسیده و تلاش های گسترده ای برای تحقق بخشیدن به آن در جریان است، به هیچ رو اتفاقی نیست. آمریکا فضای متشنج می خواهد و به همین منظور این کشور و متحدین ناتوی اش ۸۰ کشتی جنگی در منطقه مستقر ساخته اند. این فضای متشنج دستاویز دیگری برای جنگ طلبی جمهوری اسلامی است.

حادثه هفته پیش - که تکرار آن کاملاً محتمل است - بیک تغییر کیفی در اوضاع به عمل شیاورده است، اما بی گمان به شدت بر تشنج در منطقه

افزوده است. تشنج تنها بر روی برخورد ناوگان آمریکایی با قایق ها و کشتی های جنگی جمهوری اسلامی متمرکز نیست. برخوردهای جمهوری اسلامی و عربستان نیویکی از محورهای عمده تشنج در منطقه را تشکیل می دهد. در آغاز هفته گذشته عربستان نیروهای نظامی خود را به حالت آماده باش کامل در آورد، چرا که جمهوری اسلامی تعدادی قایق رومی و کشتی جنگی در نزدیکی های سواحل عربستان و کویت متمرکز کرده بود. در روز چهارشنبه ۱۵ مهر، قایق های جمهوری اسلامی به سمت یک نفت کش عربستان سعودی شلیک کردند و به آن خسارت رساندند. در هفته گذشته حوادث خلیج فارس، به موارد بالا محدود نبود. هم عراق و هم جمهوری اسلامی حملات خود را به نفت کش ها، تشدید کرده بودند. عراق علاوه بر حمله به چند نفت کش جمهوری اسلامی به

خارک و لارک نیز حمله برد. جمهوری اسلامی نیز به یک نفت کش پاکستانی و یک نفت کش ژاپنی، آسیب رساند.

در هفته گذشته تهدیدات ستاد تبلیغات جنگ مغنی بر حمله موشکی به شهرهای عراق، عملی شد. در شب سه شنبه ۱۴ مهر، دو موشک پسری بعد از شلیک شد. بصره نیز مدام زیر آتش توپخانه جمهوری اسلامی قرار داشت. عراق اعلام کرده است که دست به اقدامات تلافی جویانه خواهد زد. بدین ترتیب به موازات تشدید تشنج در خلیج فارس، خطر از سرگیری جنگ شهرها نیز جدی است.

* * *

مروری بر رویدادهای هفته اخیر نشان می دهد که آمریکا و جمهوری اسلامی - ظاهراً در مقابل هم - امداد عمل با اقداماتی مکمل یکدیگر - می کوشند. او تشبیهت روند امیدبخشی که از آغاز تابستان امسال، شروع شده بود و

مشخصه آن تشدید فشار بین المللی بر روی جمهوری اسلامی برای پایان دادن به جنگ بود، جلوگیری کنند. اکنون آن ها تعرض آورده اند تا قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، به قطعنامه ای فراموش شده تبدیل شود. جمهوری اسلامی خواهان تشکیل دادگاهی برای محکوم ساختن آغاز کننده جنگ است. اما جهانیان اکنون دادگاه خود را تشکیل داده اند. به خاطر جنگ طلبی اش محکوم می گردد. در این دادگاه آمریکا نیز هم چون همیشه در مقام مجرم ایستاده است. اکنون همگان به چشم می بینند که واشنگتن نه برای دفاع از حق کشتی رانی آزاد بلکه برای تشدید تشنج نیروهای خود را به منطقه خلیج فارس فرستاده است. شعار صلح آمریکا را نیز به زیر ضرب می گیرد. آمریکا و جمهوری اسلامی هر دو علیه صلح عمل می کنند و از این روشا برقراری صلح در جنگ ارتجاعی هفت ساله به سوی هردو نشانه می رود.

"سلف خری" را در مجلس اسلامی

"من اعلام میکنم که از پیش رای خریدن جرم است، سلف خری کالاها به سلف خری آرا رسیده است." این مطلب هفته گذشته در جلسه مجلس اسلامی از سوی حائری زاده نماینده بیرجند در اعتراض به فعالیت مخالفین دولت موسوی ایراد شد. حائری زاده توضیح داد منظور از "سلف خری" رای کسانی هستند که "نه تنها با دولت هماهنگ نیستند بلکه خود دولت چدا دارند" و قادرند از دولتی را "روز ۱۷ شهریور از طریق کویت به لندن ببرند" و آن چاه به شرح روز آب گفتند.

نماینده بیرجند در دنبال سخنان خود اظهار داشت برخی از این اشخاص از طریق وزارت صنایع، اتاق بازرگانی و صندوق قرض الحسنه به چنان قدرت مالی ای دست یافته اند که در حال حاضر "بانک مرکزی جدا از دولت" و در بطن نظام جمهوری اسلامی "دولت در دولت" تشکیل داده اند. وی افزود: "چند ماه قبل رسا از دولت خواستم که رابطه دلال ها و رابطه های افشایی را با اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران معلوم کند، این ها همه با هم مرتبط اند."

حائری زاده در بخش دیگری از نطق خود، ضمن انتقاد از کمیسیون اصل ۹۰ به علت عدم رسیدگی به اعلام جرم وی علیه معادن وزارت صنایع و معادن به شورای نگهبان نیز هشدار داد برای جلوگیری از سلف خری آرا "بی طرفی" اعضای هیات نظار را مورد توجه قرار دهد.

لازم به یادآوری است که به آغاز انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی کمتر از ۶ ماه باقی مانده است.

صف آب در کرگان

در کرگان، آب نیو بر اقلام نیازمندی های جیره بندی شده، افزوده شد. حال، مردم این شهر علاوه بر ایستادن در صف کوشت، نان و... برای دریافت سهمیه آب هم در کنار تانکرها صف می کشند.

علوی نماینده کرگان روز سه شنبه ۲۱ شهریور در جلسه مجلس شورای اسلامی با اشاره به بی آبی مردم در کرگان، گفت: مساله نبودن آب آشامیدنی در کرگان را در سخنان قبل از دستور و با از طریق ریاست مجلس بارها متذکر شده ام. در ملاقات هایی با رئیس جمهوری و نخست وزیر نیز عرض کرده ام. اما امسال کمبود به حدی بوده که بسیاری از مناطق کرگان از چهار ساعت تا شانزده ساعت بی آبی راتحمل کرده و تابستان را پشت سر گذاشته اند و متأسفانه براساس آخرین گزارش ها مناطقی هست که در روز آب ندارند.

نماینده مجلس تاکید کرد، مدت پنج ماه است که مساله را به فرماندار کرگان هم گفته ام اما هنوز جلسه ای تشکیل نشده اند و بعد ایشان در تریبون نماز جمعه کرگان گزارش نادرستی ارائه دادند و گفتند امسال کمبود آب نداریم.

وی در خاتمه افزود برای رفع همین مشکل مبلغ ۴۸۰۰۰۰ ریال از سوی همشهریان جمع آوری شده بود که ناپدید شد و مردم مرتب از بنده سوال می کنند و معلوم نیست این پول کجا و در چه راهی هزینه شده است.

پاموافقت خمینی شرکت سهامی شیلات در "جهاد" ادغام شد

نشت. پیش از سفر زالی به قم، نماینده قائم شهر طی نطق خود در مجلس از وی خواسته بود "ترتیبی بدهد تا با کسانی که با لایحه ادغام وزارت کشاورزی موافق بودند برخورد غیر اصولی و نامناسب نشود."

بحث ادغام وزارت کشاورزی در جهاد سازندگی که در اسفند سال گذشته با تصویب لایحه آن در هیات وزیران آغاز شد، مناقشه میان این دو وزارتخانه و گروه بندی بر سر هر یک از آن ها را تشدید کرد. در میان ژمان موسوی نخست وزیر و هادی خامنه ای هر دو طی مصاحبه های جداگانه اعلام کردند که انحلال وزارت کشاورزی از همان آغاز توسط دولت دنبال می شد "مقتبی شرايطی وجود داشت که اجازه این کوشه اقدامات را نمی داد."

به نوشته روزنامه های دولتی، هفته گذشته در پی درخواست وزیر "جهاد سازندگی" و اعضای شورای مرکزی آن مبنی بر اشتغال شرکت سهامی شیلات از وزارت کشاورزی و الحاق آن به جهاد سازندگی، موضوع پس از طرح و بررسی در جلسه سران آقوه، مورد تایید قرار گرفت و سپس از سوی خمینی دستور اجرای آن صادر شد.

به دنبال تایید، موسوی روز یکشنبه ۵ مهر طی نامه ای خطاب به ژنگنه وزیر جهاد سازندگی، الحاق شرکت سهامی شیلات را به وزارتخانه وی رسماً اعلام کرد.

یک هفته پس از تصویب ادغام شیلات و جهاد، زالی وزیر کشاورزی به اتفاق معاونین و مدیران کل وزارتخانه اش به قم رفت و با منتظری به مذاکره



درب ورودی شعبه ۱۵ شرکت تعاونی مصرف سید. وضع در تعاونی های دیگر نیز همین است. کسری سرمایه و عدم تحویل کالاهای اساسی سهمیه بندی شده از طرف دولت موجب گردیده است هر روز بر ازدحام جمعیتی که چشم انتظار رسیدن کالا و دریافت سهمیه هستند افزوده شود.

روابط دیپلماتیک ایران و عراق

پس از ۷ سال جنگ قطع شد

روز جمعه ۱۰ مهر در آنکارا اعلام شد که ایران و عراق تصمیم به تعطیل دفاتر نمایندگی دیپلماتیک خود در پایتخت های دو کشور گرفته اند. روزنامه کیهان ضمن انتشار خبر فوق، به نقل از مقامات ترک نوشت:

وزیر خارجه ترکیه که کشورش نقش راهبردار این میان ایفا خواهد کرد، گفته است دولت او با تقاضای ایران برای حفظ منافع آن کشور در بغداد موافقت کرده است و هم چنین تقاضای مشابهی از سوی دولت عراق دریافت داشته است.

بنا به گزارش کیهان، بنا بود پس از تعطیل دفاتر نمایندگی، سفارتخانه های ترکیه در تهران و بغداد بر خروج دیپلمات های ایرانی و عراقی نظارت کنند تا آنان در شهر استانبول با میانجیگری ترکیه مبادله شوند.

انفجار بمب در بلوار کشاورز تهران

روز شنبه ۴ مهر، صدای مهیب انفجار یک بمب، در بلوار کشاورز و خیابان های اطراف آن را به شدت لرزاند. به نوشته مطبوعات، این بمب در داخل اتومبیل زبانی در نزدیکی نمایشگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی در بلوار کشاورز جاسازی شده بود.

طرح های جدید برای غارت و...

بقیه از صفحه اول
پی گردهمایی یاد شده، مدیران و وابستگان رژیم اخذی از کارگران را تشدید کرده اند. از جمله در گروه صنعتی بهر کارگران را وادار ساختند ۱۱ هزار روز از مرخصی سالانه خود را باز خرید کرده و وجه آن را به دفترچه های "ذخیره آخرت" واریز کنند. هم ژمان با تشدید فعالیت پیچ چنگی در کارخانجات، مجلس شورای اسلامی نیز بررسی "قانون کار" ضد کارگری رژیم را برای چندمین بار از سر گرفت. تا روز پنجشنبه ۱۶-۲۳ ماده از این "قانون" به تصویب رسیده بود.

"چوپندگان مواد غذایی"

زنان خانه‌دار را در جمهوری اسلامی مردم "چوپندگان مواد غذایی" نام نهاده‌اند. آنان برای تنظیم درآمد ناچیز خانواده با هزینه‌های کمرشکن روزمره پارسنتی را بردوش می‌کشند. صف زنان از اولین ساعات بامداد تا تاریکی‌های شب بر سر در فروشگاه‌ها و مغازه‌ها برجسته‌ترین منظره شهر است.

زنان در خانه نیز، بخاطر فشار و سختی زندگی متحمل رنج‌هایی فراوانی هستند چرا که اکثر مردان که از بن‌بست کاران زندگی خود و خانواده‌شان به تنگ آمده‌اند و قادر به رفع این مشکلات نیستند، عکس‌العمل خود را در خانه نشان می‌دهند. روند فروپاشی کانون‌های خانوادگی و آمار سرسام‌آور طلاق روز بروز افزایش می‌یابد.

حل مشکلات
در جمهوری اسلامی

امروز در ایران خشتی روی خشت خانه‌ای نمی‌رود، مگر اینکه رشوه‌ای به ماموران شهرداری داده شود، گرفتن هیچ موافقتی از مسئولین وزارتخانه‌ها میسر نیست، مگر اینکه رشوه هنگفتی پرداخت گردد. برای رها شدن از سرگردانی و مدت‌ها دوندگی، مثلا بر اثر یک تصادف اتومبیل، هیچ چاره‌ای نیست، مگر اینکه رشوه‌ای به مامورین راهنمایی داده شود. برای عبور از طرح ترافیک پرداخت مبلغی به ماموران حتما لازم است. برای گرفتن جسی از تعارنی و یا یک نهاد دولتی رشوه مشکل‌گشاست. ارسال محموله‌ای به خارج، که اکثرا به دلایل بنی اسرائیلی از طرف مامورین پست تخلف ارزیابی می‌شود، رشوه کارساز است.

بیماران چکوفه دار و تهیه می‌کنند

چانه‌زدن بر سر قیمت شروع می‌شود. یک آمبول بیماری قلبی که چندی پیش حدود ۲ تومان بود، به قیمت ۱۴۰۰ تومان بفروش می‌رسد، این فقط یک نمونه است. غیر از داروهای بیماران، مواد بهداشتی و خوراکی کودکان نیز که باید از طریق داروخانه‌ها توزیع شوند، مدتهاست که سر از بازار آزاد درآورده‌اند. این مواد را را هم می‌شود از حول و حوش داروخانه‌ها تهیه کرد. اما یک قوطی کوچک "سلاک" - خوراک بچه - را نمی‌توان کمتر از ۲۴۰ تومان خرید. این هم فقط یک نمونه است.

چو انسان روستاها به تبلیغات جنگ طلبانه رژیم پاریشخند پاسخ می‌گویند

حرف ریشخند آمیز در بین جوانان روستاهای گیلان تبدیل شده است.

عده بسیار معدودی که امروز از این روستاها به جبهه می‌روند، اکثر بخاطر فقر و با انگیزه مادی به کشتارگاه جنگ کشیده می‌شوند. به ویژه در فصل بیکاری، حقوق و امتیازات شرکت در جنگ، از انگیزه‌های عمده این عده معدود است که به جبهه‌ها می‌روند.

پورش اوپاش رژیم به مجالس عروسی

سیاه و ضخیم نیز همراه دارند و اکثر عروس از لباس سفید عروس استفاده کند، عروس را مأمورین می‌کنند که چادر سیاه رژیم را سر کنند. مزدوران و اوپاشان رژیم چشم دیدن هیچگونه چشنی را ندارند، حتی اگر چش عروسی باشد. آنها می‌خواهند تمام مجالس را به مجلس عزایشین تبدیل سازند.

دیگر بدست آوردن داروهای کمیاب در داروخانه‌ها امکان‌ناپذیر شده است. اما عدم دسترسی به آنها در داروخانه‌ها دلیل بر انصراف از جستجوی این داروخانه‌ها نیست. چون در بازار آزاد بهد کافی داروهای مورد نیاز بیماران یافت می‌شود. لازم هم نیست که مردم برای دستیابی به آنها به خیابان‌ها و کوچه را از پاشنه درکنند، بلکه در حول و حوش داروخانه‌ها و به ویژه داروخانه‌های مرکزی، فروشندگان دارو روز و شب پرسی می‌زنند و در کوشی اسم داروی مورد نیاز بیماران را می‌پرسند. بعد

طی سالهای گذشته، رژیم می‌توانست در روستاهای استان گیلان با برانگیختن احساسات مذهبی جوانان و با تبلیغات مستمر خود عده‌ای را به قربانگاه جنگ بفرستد. اما اکنون دیگر جوانان این روستاها به تبلیغات تهنوع آور مسئولین رژیم با ریشخند پاسخ می‌گویند و رژیم دیگر امکان استفاده از جوانان این روستاها را به عنوان گوشت دم‌توب از دست داده است. می‌توان گفت که امروز "شهادت طلبی در جنگ اسلام بر علیه کفر" به یک

پاسداران و کمیته‌چی‌های مزدور رژیم هر کجا که خبر از مجلس عروسی سراغ بگیرند، به آنجا لشکرکشی می‌کنند، تا مبادا مجلس عروسی، توام با جشن و سرور باشد. چندی پیش با پورش اوپاشان کمیته‌چی‌ها به یک مجلس عروسی در تنکابن و لنگرود، به بهانه استفاده از مشروب، عروس و داماد و چند تن از مهمانان جشن را شلاق زدند. آنها محولا یک چادر

پایداري اهالی روستای فرح‌زاد
در برابر پاسداران

بر اثر پایداری و همبستگی اهالی روستای فرح‌زاد تهران، پاسداران سرمایه‌ها می‌خواستند زمین یکی از کشاورزان سالخورده فرح‌زادی را برای ساختن پادگان تصرف کنند، موفق به این کار نشدند. ماجر از این قرار بود که رژیم برای تصاحب این قطعه زمین، متوسل به سندسازی و "وقفی" قلمداد کردن آن شد. وقتی این حربه‌ها موثر واقع نشد، یک روز صبح پاسداران تاندان مسلح، زمین را اشغال کردند و دست به نابودی کشت زدند تا عملیات ساختمانی شروع شود. اما مردم فرح‌زاد که از پیش در جریان درگیری کشاورز با رژیم بودند، به یاری کشاورز شتافتند. درگیری مردم با پاسداران ساعتها به طول انجامید. بلافاصله پس از آغاز درگیری و شلیک گلوله از سوی پاسداران، روستا از ایستگاه تهیه به بعد محاصره شد. گفته می‌شود تعدادی از جوانان روستا به ضرب گلوله جنایتکاران کشته شدند. پاسداران عده‌ای را نیز به اسارت گرفتند.

علیرغم این همه، نیروهای رژیم روز بعد بدون اینکه موفق به گرفتن زمین شوند دست به عقب‌نشینی زدند.



آوارگی، بیکاری و سرگردانی



به مناسبت بیستمین سالگرد شهادت ارنستو چه گوارا

پایان فرمانده کل، او نبرد "لاس دیلیاس" را با پیروزی به انجام رساند و هواوانا را فتح کرد. کاسترو در مورد او گفته است، "از خصوصیات چه داوطلب بودنش برای شرکت در عملیات پرخطر بود. این خصوصیات او مورد ستایش همه همزمانش بود. برای رهایی هرگونه این قاره، همه چیز خود را فدا می کرد."

چه، پس از پیروزی در دولت انقلابی عهده دار اداره امور سیاست خارجی بود. اصلاحات ارضی نیز تحت نظارت او آغاز شد. چه، این انقلابیونالیست پرشور، در سال ۱۹۶۵ کوبا را ترک و از جمله به ویتنام و کنگو سفر کرد. در سال ۱۹۶۷ به جنبش انقلابی در بولیوی پیوست. ارتش مزدور بولیوی تحت سرپرستی مستشاران آمریکایی، وحشوده و هراسان، همه جا در جستجوی او بودند. او در هشتم اکتبر ۱۹۶۷ مجروح، دستگیر و سپس تیرباران شد. رزم چه اما به پایان نرسید. اکنون در همه کلبه های اهالی فقر زده و ستم دیده بولیوی و دیگر کشورهای آمریکای لاتین عکس او بر دیوار آویزان است. همه او را الهام می گیرند و بارزوم خود نام وی را پاس می دارند.

قطعه زیر برگرفته از خاطرات چه گوارا در "جنگهای رهایی بخش کوبا" است. "تعمید آتش" به توصیف اولین نبرد رویارو با مزدوران باتیستایس از پیاده شدن انقلابیون در سی راماتیسترا اختصاص دارد.

هفته گذشته، هفته چه گوارا بود. در روز ۸ اکتبر، ۲۰ سال از شهادت چه گوارا گذشت. جهان یاد او را گرامی داشت. در اکثر کشورهای آمریکای لاتین مراسم پرشوری به یاد او برپا گشت.

چه گوارا، یکی از چهره های برجسته قرن ماست. "چه" مبارزی دلیر، کمونیستی ثابت قدم و انترناسیونالیستی پرشور و پیگیر بود. او در ۱۴ ژوئن ۱۹۲۸ در آرژانتین به دنیا آمد. از کودکی و نوجوانی با توده کار و زحمت در آمیخت. در هنگام تحصیل در دانشکده پزشکی بوئنوس آیرس با سازمانهای چپ تماس یافت و به مارکسیسم گروید. او آمریکای لاتین را خوب می شناخت. او در زمانی که دانشجوی بود به کشورهای مختلفی سفر کرد و در جریان سفر به بخشی از آن با پای پیاده و یا با دوچرخه صورت می گرفت. ضمن کار در مزارع و معادن با وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آمریکای لاتین آشنا شد.

او در کواتالا با گروهی از کوبایی های تبعیدی که "جنبش ۲۶ ژوئیه" را بنیاد گذاشته بودند، تماس یافت. ابتدا با راول کاسترو و سپس با فیدل آشنا شد. اولین آشنایی با فیدل همان ویبوستن به گروه آنها همان، چه به عنوان پزشک گروه پذیرفته شد. گروهی که چند ماه بعد خود را با قایق به سواحل کوبا رساند و در سی راماتیسترا نبرد خود را آغاز کرد.

"چه" قابلیت های خود را در عمل نشان داد. در آغاز فرمانده دسته بود و در

نمی بایست به راهمهای خیانتکار خود اجازه میدادیم که از ما دور شود.

در سحرگاه پنجم دسامبر فقط عده ای از ما در موقعیتی بودند که میتوانستند چغد قدیمی راه پیمایی کشفند. مردان خسته و در مانده ما فقط فواصل کوتاهی میتوانستند راه پیمایی کشفند و سپس به استراحت های طولانی احتیاج داشتند. در کنار یک مؤرعه نیشکر دستور استراحت داده شد. بسیاری از افراد تمام صبح را درون بیشه زاری که در مجاورت جنگل انبوهی قرار داشت خوابیدند.

در حدود ظهر متوجه یک فعالیت غیرعادی شدیم. هوا پیمای "بی پر" و هوا پیمای دیگر نظامی و خصوصی در آن حدود چرخ میزدند. برخی از مردان ما با خیال آسوده سازه های نیشکر را قطع میکردند و میخوردند. بقیه در صفحه ۹

"چولیو لوبو" تعلقی داشت شبانه راه پیمایی میکردیم و با بی تجربگی خود پوسته و تفرقه های سازه های نیشکر را که در جریان راه پیمایی برای رفع گرسنگی و تشنگی خود می جویدیم - بر جای می گذاشتیم. سال بعد مطلع شدیم که دشمن برای یافتن ما به این آثار و علائم که مابقی خیال بر جای می گذاشتیم و نشانه حضور ما بود اصولاً احتیاجی نداشته، زیرا راهمهای ما که یکی از خیانتکاران اصلی در جریان انقلاب بود ما را به سوی دشمن میکشاند است.

شب قبل به او مرخصی داده بودیم و این امر اشتباهی بود که در طول جنگ چند یغمار مرتکب شدیم تا آنکه سرانجام آموختیم هنگامی که در منطقه خطر پسر میهریم باید افراد غیر نظامی را که بخوبی شناسایی پیوسته زیر نظر داشته باشیم. ما مرکز

و هر شوق کشتیرانی بخت آزمایی مهلکی بود. پس از هفت شبانه روز کشتیرانی در خلیج مکزیک و دریای کارائیب در ساحل کوبا پیاده شدیم.

بدون خوراک مسافرت کرده و کشتی ما وضع رقت باری داشت. اغلب افراد ماکه به مسافرت دریائی عادت نداشتند دچار دریازدگی شدند و همه اینها بر روی یک مشت مردم تازه کار که مرکز در جنگی شرکت نکرده بودند تاثیر گذاشته بود.

از مهمات ما جز چند تفنگ و چند قطار فشنگ خیس شده چیزی باقی نمانده بود و وسائل پزشکی ما از دست رفته بود. قسمت عمده عدل های بسته بندی شده ما در باطلای بر جای مانده بود.

یکروز قبل از حمله فافلگیرانه در حاشیه مؤرعه نیشکر کارخانه قند "نیکوورو" که در آن موقع به

الکریادیو در استان اوربنته در منطقه نیکورو در نزدیکی کابو واقع شده است. در آنجا بود که در پنجم دسامبر ۱۹۵۶ بوسیله قوای باتیستا کشف شدیم و مورد حمله آنها قرار گرفتیم.

پس از یک راه پیمایی - که بیشتر فرسایده بود تا طولانی - بسیار ضعیف شده بودیم. در دوم دسامبر در ساحل "لاس کلورادوس" پیاده شده بودیم و تقریباً تمام مهمات خود را از دست داده، ساعات تمام ناشدنی در باطلای نمکزاری راه پیمایی کردیم. همه، پوتین های شوهرها داشتیم و در اثر آن پاهای ما زده بود. ولی کفشها و عوفتهای قارچی فرسایده ناشی از آن تفهادشمن ما محسوب میشدند.

بیست و پنجم نوامبر - روزیکه ما بنادر "توکس پان" مکزیک را ترک گفتیم، روزی بود که باد شمال میوزید

علیه جنگ در «اوره پرو» - سوئد

روز شنبه چهارمهرماه پیش از ۱۵۰ ایرانی، عراقی و... طی تظاهراتی در شهر اوره پرو - سوئد خواستار گسترش حمایت مردم کیتی از تظاهرات بین المللی برای قطع جنگ ایران و عراق شدند.

راهپیمایان صدور تجهیزات جنگی از سوئد منجمه سلاحهای ساخت کارخانه هوفورس واقع در ۵۰ کیلومتری شهر "اوره بره" به ایران را محکوم کردند و در پشتیبانی از مبارزات صلح طلبانه هم میهنان ما قطعنامه صادر نمودند. صادر کنندگان این قطعنامه خواهان اجرای بدون قید و شرط قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، و خروج نیروهای جنگی ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی از خلیج فارس گردیدند.

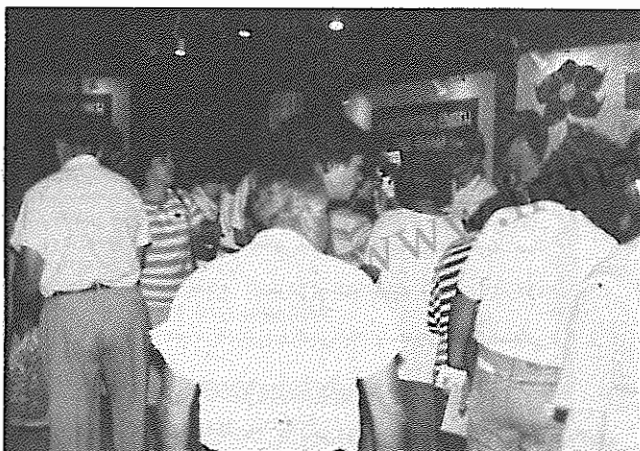
احزاب، سازمانها و محافل صلح دوست و مترقی سوئدی و خارجی از جمله حزب کمونیستهای چپ و حزب سوسیال دمکراتهای سوئد با راهپیمایان ایران همبستگی کردند.

خبر این حرکت صلح جویانه در روزنامه های پرتیراژ منطقه درج و از طریق رادیو گزارش شد.

عکس صحنه ای از راهپیمایی مژهورانشان می دهد.



سیزدهمین فستیوال جوانان حزب کمونیست یونان



آزادی در غرقه جوانان پیشگام ایران حضور یافت و با پیشگامان به گفتگو پرداخت. در همان روزها سازمان جوانان کمونیست یونان فستیوال مشابهی در شهر سالونیک برگزار کرد، که جوانان پیشگام با برپایی یک غرفه، در آنجا نیز با مردم و جوانان یونانی و خارجی از رزم و رنج جوانان و مردم ایران سخن گفتند.

بودند که با برپایی یک غرفه توجه بسیاری از یونانی ها و ایرانیان بازدیدکننده را به خود جلب نمودند.

غرفه جوانان پیشگام با شعار زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی و شعارهایی به زبان یونانی تأیید شده بود و در آن میز کتاب و نشریات و همچنین صنایع دستی ایران به چشم می خورد. در طی فستیوال بسیاری از یونانی ها ضمن بازدید از غرفه پیشگامان پرسش های گوناگون درباره وضعیت ایران مطرح می کردند و به پاسخ های جوانان پیشگام گوش فرامی دادند.

در دومین روز فستیوال سرپرست هیئت نمایندگی سازمان جوانان حزب کمونیست شوروی (کسمول) به نشانه ابراز همبستگی با مبارزه جوانان ایران در راه صلح و

از تاریخ ۱۶ تا ۲۰ سپتامبر (۲۵ تا ۲۹ شهریور) محله کارگر نشین کسریانی شهر آتن شاهد برگزاری سیزدهمین فستیوال سازمان جوانان کمونیست یونان بود. هزاران نفر از مردم با شرکت در این فستیوال و حمایت از شعار جبهه متحد برای مبارزه جوانان، پرشور و شادمانی کمونیست های جوان یونانی افزودند.

حضور هیئت های نمایندگی سازمانهای جوانان احزاب کمونیست و کارگری، احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی، جهان سوم و نمایندگان جنبش های رهایی بخش زمینه مناسبی برای تبادل افکار و مباحثه پیرامون مبارزات جوانان جهان بوجود آورده بود.

جوانان پیشگام ایران از جمله مدعوین این فستیوال پنج روزه



تظاهرات ایستاده علیه جنگ

روز ۷ مهر فدائیان خلق در آخن (آلمان فدرال) با برگزاری یک تظاهرات ایستاده علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق، شهروندان آلمانی را در جریان پیامدهای فاجعه بار جنگ قرار داده، نفرت و انزجار عمومی مردم ما را از تداوم این جنایت هولناک منعکس کردند.

در این حرکت اعتراضی که به شکل برپایی میز کتاب و نشریات فارسی و آلمانی و حمل پلاکاردهایی با مضامین ضد جنگ نمود یافت، اعلامیه ای به زبان آلمانی در سطح وسیع پخش گردید. طی این اقدام افشاگرانه در موارد متعددی آلمانی هایی که اعلامیه دریافت می کردند و یا به میز کتاب مراجعه می نمودند همبستگی خود را با پیکار مردم ایران برای پایان دادن به جنگ خونبار ایران و عراق ابراز داشتند.

تصوريك روشن فكر بورژوا در پايه انقلاب

می بود انقلاب اجتماعی را بپذیرد به شرطی که تاریخ درست مانند یک قطار سریع السیر آلمانی که وارد ایستگاه راه آهن می شود، مسالمت آمیز، آرام، بی دردسر و پاکیزه به انقلاب می رسد و آنگاه، مأمور شسته رفته قطار، در واگن را پاؤ می کرد و ندا می داد: "ایستگاه انقلاب اجتماعی، لطفاً همه پیاده شوید!"

در تاپستان سال ۱۹۱۷، هنگامی که رویدادهای روسیه به نقطه ای رسیده بود که انقلاب سوسیالیستی می رفت تا از یک اندیشه تئوریک به واقعیت زمینی تبدیل شود، لنین گفتگویی با یک مهندس ثروتمند داشت که زمانی انقلابی و بهشتی بود. لنین بعدها درباره این فرد نوشت: "او اکنون، هراس محسوس و خشم محسوس از کارگران لهجاء کبیخته است... او حاضر

برای آمریکا خمینی بهتر از پیتوشه است

— والتر، ما از آن ها حمایتی نکرده ایم! ما به آن ها اسلحه نداده و از نظر تدارکاتی کمکی به آن ها نمی کنیم. ما به آن ها ۱۲ میلیون دلار اسلحه نفروخته ایم، اما به شما فروخته ایم!"

از مصاحبه روزنامه حکومتی تهران تایمز با والتر رئیس هیات نمایندگان آمریکا در سازمان ملل، "تهران تایمز، حکومت شیلی هنوز نیز غیرمردمی است، ولی شما از آن حمایت می کنید."

(کبیهان - ۹ مهر)

جارو کردن انقلاب

انقلاب هستیم، هر چاک باشد به ما بگویند چاروب بکنیم، می گوئیم چشم!" (رساله ۸ - تیر)

کوپایی استاند اساق خراسان، "یکی از برادران در اصفهان اوایل انقلاب می گفت، ما چاروکش

کارگران و سرمایه دار



اعتصاب. مدیر کارخانه، نزد کارگران آمده است تا آن ها را قانع کند که به سرکار برگردند...

فراخوان



اثر اسیلیا پرگند سکو

بسمه تعالی

دفتر چه ذخیره آخرت

لیک یا امام

رها کردن ملت و مکتبی که در نیمه راه پیروزی است خیانت به آرمان بشریت و رسول خداست. همزمان با آغاز هشتمین سال دفاع مقدس مردم شهیدپرور و مظلوم ایران اسلامی در مقابل کفر جهانی یسیرکردگی آمریکا، سپاه یک، نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اقدام به اجرای طرح دفترچه حساب پس انداز ذخیره آخرت نموده است. لذا از کلیه افرادی که مایلند رزمندگان کفرستیز و همیشه پیروز استان های تهران و مرکزی را یاری دهند دعوت می شود با افتتاح حساب پس انداز ذخیره آخرت در یکی از شعب بانک های صادرات، تجارت، ملی، سپه و ملت ضمن انسوخشن توشه ای برای آخرت خود در قریه کشی این حساب نیز شرکت نموده و از جوائز معنوی آن ها مانند زیارت مکرمه، زیارت مرقد مطهر حضرت زینب (س) و زیارت امام رضا (ع) بهره مند شوند.

علاقه مندان جهت اطلاع بیشتر می توانند با شماره تلفن های ۵۶۹۰۵۶، ۵۶۸۱۸۵، ۵۶۱۲۰۰ تماس حاصل نمایند.

روایک عمومی سپاه یکم نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (منطقه یک تارالله)

می شود. در "عرش" تومان به دلار تبدیل می گردد و از آن جا به جیب دلان اسلحه می ریزد. همه از این معامله خشنودند. دفترچه ذخیره آخرت جایزه هم دارد. دیگر نور علی نور است.

بهشت می فروشند با دفترچه ذخیره آخرت. از طریق شعب بانک های صادرات، تجارت، ملی، سپه و ملت به حساب عرش پول واریز می شود. خانه های بهشت را در بورس گذاشته اند، فردا لایه برای غلامان و حوریان نیز حساب جداگانه ای باز



تجربه‌ها

احساس شرم

بحث بر سر خصایص انقلابی بود. سخن از مارکس به میان آمد که در پاسخ به پرسش دخترش در این زمینه، در میان مجموعه خصایص روحی، بشری، بروی احساس "شرم" دست گذاشته و این احساس را یک خصلت انقلابی دانسته است. برای همه ساله شد که چرا مارکس نگفته است شجاعت، قاطعیت، فداکاری، از خود گفشتگی، مقاومت و نظایر اینها، همه این خصایص را رها کرده و شرم و حیا را برترین خصلت انقلابی دانسته است. برای حل ساله همه به تجربیاتشان رجوع کردند. افراد انقلابی و احزاب انقلابی را مثال زدند. همه در دیده‌ها و شنیده‌هایشان کاوش کردند تا آخر سر به عق سخن مارکس پی بردند.

نهایت ناشنواایی

می‌گویند هیچ ناشنواایی، ناشنوا تر از آن کسی نیست که نمی‌خواهد بشنود.

دربونان باستان

یکبار دمو ستفن طرفدار دیکتاتوری، به سیاستمدار خردمند آتن، فوکیدن، گفت: "اگر آتنی‌ها به سرشان بزنند، ترا خواهند کشت." فوکیدن به او پاسخ داد: "مکن است چنین چیزی پیش آید. اما مسلم بدان آنها وقتی که هوشیاریشان را باز یابند، به سرعت تو خواهند آمد."

آرزوهای سوسیالیستی

رفیقی تعریف می‌کرد که چند سال پیش یک شب پس از اتمام موفقیت آمیز یک وظیفه مبارزاتی با عده‌ای از رفقا دور هم جمع شده بودیم و در فضایی بسیار صمیمانه، از همدیگر سخن می‌گفتیم. صمیمیتان، در پیچه قلبها مان را به روی هم کشوده بود. آخر شب صحبت به اینجاکشید که اگر به زودی در ایران انقلاب سوسیالیستی رخ دهد، هر یک چه خواهیم کرد. آرزوهای همه دوست داشتنی، مردمی و انسانی بود. چندی پیش با "م" که در آن جمع حضور داشت، برخورد کردم. صحبت از "ع" به میان آمد. "ع" نیز آن شب در مجلس ما بود. من برای "م" از قهرمانی‌های "ع" در جریان مبارزه و نیز مقاومت دلیرانه‌اش در زندان حکایت کردم. "م" که بسیار کمتر از من "ع" را می‌شناخت، پس از این که خبرهای مرا شنید، گفت: از او جز این انتظاری نمی‌رفت. آن شب یادداشت هست که از آرزوهایمان در سوسیالیسم و از انگیزه‌های فردیمان برای عقیق به کمونیسم، سخن می‌گفتیم؟ "ع" آرزوهای و خواسته‌هایش فراتر از خواسته‌های همه بود. کارهایی که او دوست می‌داشت به آنها دست بزند، در سرمایه‌داری، دموکراتیک‌ترین شکل، قابل تحقق نیستند. او هویت فردی خود را هم در سوسیالیسم می‌دید. من از همان شب نام او را به عنوان یک کمونیست واقعی در ذهنم ثبت کردم.

به مناسبت بیستمین

بقیه از صفحه ۶

بی‌آنکه فکر کنند هنگامی که هواپیماهای روی سما در حال پروازند برای سرنشینان آنها که در ارتفاع کوتاهی پرواز می‌کردند بخوبی قابل رویت می‌باشند.

من بعنوان یژشک دسته وظیفه داشتیم که تاوهای پاهای افراد را درمان کنیم. تصور میکنم که بخاطر دارم آخرین بیمارم در آن روز "هومبرتو" بود و آنروز آخرین روز حیاتش در این دنیا بود. هنوز قیافه خسته و ترسناک او از نظر من محو نشده است که از درمانگاه ابتدائی ماسوی شکر خود روان بود و کفشهایش را که نمیتوانست بپوشد در دست داشت. هم‌رزم "مونثانه" و من بدرختی تکیه داده بودیم و از کودکان خود صحبت میکردیم و در ضمن جیره خود را که نیمی سوسیس و دوتکه نان خشک بود میخوردیم که ناگهان صدای شلیک کلوله‌ای را شنیدیم. ثانیه‌ای سیری شد - دست‌کم در این آزمایش جنگی احساسات ترسناک من چنین حس کرد - که رگباری از کلوله برس این هشتاد و سه نفر باریدن گرفت. تفنگ من مرغوبترین تفنگها نبود. من آگاهانه خواش کرده بودم که چنین تفنگی داشته باشم چون حمله طولانی تنگی نفس در جریان مسافرت دریائی مرا بوضع اسفناکی دچار ساخته بود و نمیخواستم تفنگ خوبی از دست رود. بطور دقیق نمیدانم که چه موقع و چگونه این حمله به وقوع پیوست. حافظه اشان کند میشود. اما بخاطر دارم که آلمایدا - واسپا گروهمان بود - در جریان تیراندازی سر رسید تا فرمان دریافت کند اما کسی نبود که بتواند پوری فرمان دهد. بعد معلوم شد

حرکت کنم. علیرغم دردی که داشتم چنین کردم و بدین ترتیب سرانجام به مزرعه رسیدیم. در آنجا هم‌زمان "راشول ژورس" را در کنار درختی دیدم که انگشت ششش بوسیله کلوله داغان شده بود و "فاستیویرس" اورا زخمبندی میکرد. سپس همه چیز سردرگم شد.

هواپیماهای سبک در ارتفاع کم روی سما در پرواز بودند و سرنشینان آنها با مسلسل‌های خود از بالا بسوی ما تیراندازی میکردند. میگردند. شاجوری که دانه (در کندی خدایان) ترسیم میکند در اطراف ما خودنمایی میکرد. یکی از پارتیزانهای دوست داشتنی کوشش میکرد خود را در پشت فقطیک ساقه نیلشکری مخفی کند. دیگری بدون آنکه اشنان واقعا علتش را بفهمد در میان این همه چارو چنگال عظیم فریاد میزد: "ساکت!"

گروهی تشکیل شد که رهبری آنرا آلمایدا برعهده گرفت. سروان والدس (امروز ماژور ارتش انقلابی) هم‌رزم "چاو" و بنیتس و من نیز جزو آن بودیم. برسرکردگی آلمایدا آخرین بخش مزرعه نیلشکر را طی کردیم تا به جنگل کوچکی که محافظ ما باشد برسیم. در این موقع از درون مزرعه نیلشکر اولین فریاد "آتش" بلند شد و ستونهای دود و شعله‌های آتش به هوا بلند شد. واقعه دیگری بدرستی بخاطر ندارم چون در آن موقع بیشتر در فکر تلخی شکستی که بر ما وارد شده بود و مرگ قریب الوقوع خود بودم تا جزئیات جنگ. براه خود ادامه دادیم تا آنکه شب مانع پیشروی بیشتر شد. سپس تصمیم گرفتیم تنگ در کنار یکدیگر بخواهیم. پشه‌ها به ما حمله‌ور شدند و تشنگی و گرسنگی ما را رنج میداد. این بود تعمید آتش که در پنجم دسامبر ۱۹۶۵ در منطقه "نیکه‌رو" به وقوع پیوست و سر آغاز پیدایش ارتش پارتیزانی کوبا بود.

دهانه زخمی بزرگ که در نتیجه اصابت کلوله چهل و پنج میلیمتری در بدنش ایجاد شده بود چستن میکرد. او در حالیکه فریاد میزد "آنها مرا کشتند" بشدت مشغول تیراندازی شد، با آنکه در این لحظه کسی پیدا نشد. همانطور که روی زمین افتاده بودم به او گفتم که "تیر آناه به من هم اصابت کرد." البته من بهیان خشن‌تری بکار بردم: "فاستیویرس" که مشغول تیراندازی بود نکاهی به من انداخت و گفت چیزی نیست اما در چشمانش مرگ خود را خواندم. همانطور روی زمین باقی ماندیم و به تقلید از فاستیویرس در جهت جنگل یک بار تیراندازی کردم و فاگهان از خود سؤال کردم بهترین نوع مرگ کدام است؟ چون بطورم دیگر کار تمام بود. داستان قدیمی از چک لندن بخاطر رسید که قهرمان داستان چون میدا نشت در صحرای یخبندان آلاسکا در اثر سرما به مرگ محکوم شده است تصمیم گرفت بدرختی تکیه زند تا دم آخر را بطور شایسته و ارزنده به پایان رساند. این تنها صحنه ایست که بخاطر دارم. بکنفر که در کنارم میخیزد فریاد زد که بهتر است خود را تسلیم کنیم و از پشت سرم صدائی شنیدم که فریاد زد "در اینجا کسی تسلیم نمیشود" و سپس روگردن یاد کرد. بعدا دریافتیم که او کامیلو بود. "پونسه" پریشان و نفس‌زنان فرزد من آمد. او نیز زخمی شده بود و ظاهراً کلوله به ریه‌اش اصابت کرده بود. بمن گفت که زخمی شده است و من با حالتی بی‌تفاوت بوی نشان دادم که من هم بی‌نصیب نمانده‌ام. پونسه با انهایی که سالم مانده بودند خود را کشان کشان بسوی مزرعه نیلشکر رسانید. لحظه‌ای تنها ماندیم و خود را کاملاً دراز کرده و در انتظار فرارسیدن مرگ بودیم. آلمایدا بسوی من آمد و مرا وادار کرد که کوشش کنم بسوی چلو

که فیدل کاسترو کوشش کرده بود افرادش را در درون مزرعه نیلشکری که در همان نزدیکی واقع شده بود و با عبور از کوره‌های ممکن بود بدانجا رسید، جمع‌آوری کند. حمله غافلگیرانه بسیار ماهرانه بود و کلوله‌باران بسیار نیرومند. "آلمایدا" بازگشت تا به گروه خود رسید. در همین موقع هم‌رزمی جعبه فشنگ‌ها را پیش پای من بر زمین انداخت. من بطور استفهام آمیز به جعبه اشاره کردم و او با قیافه‌ای بمن پاسخ داد که من بخوبی آنرا بیاد دارم. قیافه مضطرب او نشان میداد که میگوید "دیگر تیراندازی دیر شده" و فوراً در طول کوره‌هایی که درون مزرعه نیلشکر واقع شده بود براه افتاد. او بعدا بوسیله جنایتکاران باتیستا قتل رسید.

شاید برای اولین بار با معماشی روبرو شدم که میبایست از دروازه یکی را انتخاب کنم. یا آنکه خودم را وقف امر یژشکی کنم و یا آنکه وظیفه‌ام را بعنوان سرباز انقلابی انجام دهم. پیش‌پایم یک بسته پراز دارو و جعبه‌ای پراز فشنگ افتاده بود. هر دو را با هم نمیتوانستم حمل کنم چون بسیار سنگین بودند. جعبه مهمات را انتخاب کردم و بسته دارو را بر جای گذارده از گذارگاهی که مرا از مزرعه نیلشکر جدا میکرد عبور کردم. درست بخاطر دارم که "فاستیویرس" در حاشیه مزرعه نیلشکر زانو بر زمین زده بود و با مسلسل دستی خود تیراندازی میکرد. در کنارم هم‌رزمی به نام "آرنتوس" بسوی مزرعه نیلشکر میدوید.

ناگهان رگبار کلوله‌ای که دیگر چیز غیرعادی نبود به هردوی ما اصابت کرد. ضربه هراسناکی در سینه خود و ضربه هراسناکتری در گلویم حس کردم و یقین داشتم که خواهم مرد. خون از بینی و گلوئی آرنتوس و از

شعرهای معاصر ایران ابوالقاسم لاهوتی



آزادگی

گر چرخ بکام ما نگردهد،
کاری بکنیم تا نگردهد.
گوئیم به او: مطیع ما گرد!
یا می گردد و یا نگردهد.
گر گشت، خوشست، ورنه مادست
از او نکشیم تا نگردهد.
هرگز قد مردمان آزاد
با هیچ فشار تا نگردهد.
در پنجهٔ اقتدار مردان
نبود گرهی که او نگردهد.
گر مرد فنا شود بگیتی،
هرگز اثرش فنا نگردهد.
پروردهٔ ناز و نعمت، آگاه
از حال دل گدا نگردهد.
لاهوئی اگر ببرد از رنج،
تسلیم به اغیا نگردهد.

پاکو سپتامبر ۱۹۷۲

وحدت و تشکیلات

سر و ریشی نتراشیده و رخساری زرد،
زرد و باریک، چو نی.
سفره‌ای کرده حمایل، پتوئی بر سر دوش،
ژنده‌ای بر تن وی.
کهنه پیچیده بپا، چونکه ندارد پا پوش؛
در سر جاده‌ری.
چند قزاق سوار، از پیش آلوده بگرد،
دستها بسته زپس، پای پیاده، بیمار،
که رود اینهمه راه؟
مگر آن مرد قوی همت صاحب مسلک
که شناسد ره و چاه.
خسته بد، گرسنه بد، لیک نمیخواست کمک؛
نه ز شیخ و نه ز شاه،
بجز از فعله و دهقان، نه بفکر دیار.

از سواران مسلح، یکی آمد بسخن؛
(که دلش سوخت به او):
— آخر ای شخص گنهکار، (چنین گفت به وی)
گنهایت چیست؟ بگو!...
بندی، از لفظ «گنهکار» برآشفته، به وی،
گفت: — ای مرد نکو،
گنهم اینکه من از عائلهٔ رنجبرم!
زادهٔ رنجم و پروردهٔ دست زحمت،
تسلم از کارگران.
حرف من اینکه چرا کوشش و زحمت از ماست،
حاصلش از دگران؟

این جهان، یکسره از فعله و دهقان برپاست،
نه که از مفتخوران.
غیر از این، من ز گناه دگری بیخبرم،
دیگری گفت که: گویند تو آشوب کنی،
ضد قانون و وطن.
دشمن شاهی و پیدینی و دهری مذهب،
جنگجو، فتنه‌فکن.
برده از کار برانداز و میبچان مطلب،
راستی گوی بمن:
تو مگر عاشق حبس و کتک و تبعیدی؟

— تندتر میدوی از من، اگر آگاه شوی،
(دادش اینگونه جواب):
— این زمان «دولت و دین» آلت اشراف بود؛
رنجبر، لخت و کباب،
سگ‌خان، باجل مخمل، بگو انصاف بود؟
خانهٔ چهل خراب!
حیله است این سخنان، کاش که میفهمیدی.

این عبارات مطلا، همه موهوماتست؛
بند راه فقرا.
چیست قانون کنونی، خبرت هست از این؟
حکم محکومی ما!
بهر آزاد شدن، در همهٔ روی زمین
از چنین ظلم و شقا،
چارهٔ رنجبران: وحدت و تشکیلات است

مسکوفوریه ۱۹۲۴

به مناسبت زادروز جبهه‌رهای بخش فارابوندومارتی

متن یک سخنرانی مائیم پارپوس

عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست السالوادور

از راه سرمایه‌داری، یعنی تنها با پیشروی به سوی سوسیالیسم تحقق پذیر است.
کنفرانس احزاب کمونیست آمریکای لاتین و کارائیب در ژوئن ۱۹۷۵ در هوانا به این نتیجه رسید، "ما کمونیست‌ها برآنیم که سوسیالیسم تنها نظامی است که قادر است رشد واقعی با آهنگی شتاب یافته را که خلق‌های ما بدان نیازمندند، تامین کند... سوسیالیسم هدف بلا تغییر ماست." و افزود، "از آنجا که امپریالیسم آمریکادشمن اصلی مشترک است، استراتژی و تاکتیک انقلاب در آمریکای لاتین برای ما که انقلاب را انقلابی با هدف نهایی سوسیالیسم می‌دانیم، درضدیت با امپریالیسم بازتاب می‌یابد."

۴- چگونه باید انقلاب کرد؟

پیش از این گفتیم که در میان احزاب کمونیست و کارگری آمریکای لاتین، این مسئله که چگونه باید انقلاب کرد، در دستور بحث است. انواع دشواریها در تحقق آن چیزی که به گفته لنین انقلاب در آن خلاصه می‌شود، این مسئله را در دستور قرار داده‌اند.

حزب کمونیست السالوادور بدین مسئله با روح انتقاد از خود عمیق برخورد کرد و در نتیجه، به تدوین تئوریهایی رسید که برخی از آنها توسط دبیرکل کمیته مرکزی حزب ما، رفیق شفیق خورخه هندل در مقاله‌ای تشریح شده‌اند. (۱) وی درباره چهار مسئله که به نظر ما برای پیروزی انقلاب در آمریکای لاتین تعیین کننده‌اند، نظرانی ابراز داشته است. مقاله همچنین به مسائلی که عناصر ذهنی انقلاب در این بخش از جهان سوم، در نیم‌قاره آمریکا، با آن مواجهند، می‌پردازد. من در سخنان خود برخی از این تئوراهای مهمی را به شرح می‌رسانم.

از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم، مسئله اصلی انقلاب مسئله قدرت است. در السالوادور حزب ما از آنجا که به رفرمیسم مبتلا شده بود، از این حقیقت دور شد. اما کنگره هفتم ما که در آوریل ۱۹۷۹ مخفیانه در داخل کشور برگزار شد، این کارکرد را تصحیح کرد، به گونه‌ای که برای ما ادای سهم در پیشاهنگ مبارزه انقلابی ممکن شد. می‌دانید که حزب ما در چارچوب جبهه‌رهای بخش ملی فارابوندومارتی به اتفاق چهار سازمان برادر انقلابی به مبارزه مسلحانه مشغول است. ما از این طریق یک پیشاهنگ جمعی ساخته‌ایم.

دو انقلاب بزرگ واقعی که در ۲۰ سال اخیر در آمریکای لاتین روی داده‌اند (۱۹۵۹ در کوبا و ۱۹۷۹ در نیکاراگوئه) آشکارا نشان می‌دهند که اهداف پیشاهنگ برای رهایی ملی تنها زمانی تحقق می‌یابند که در مبارزه برای قدرت، اراده‌ای مستحکم (و نه اراده‌گرایی) برای کسب قدرت وجود داشته باشد و با امپریالیسم و ارتجاع مصمانه مقابله شود.

به نظر ما عدم توجه بدین مسئله باعث شد تا برخی روندهای اجتماعی و سیاسی رفرمیستی در آمریکای لاتین، "انقلاب" خوانده شود. زندگی اینگونه احکام را تأیید نکرد.

مسئله برنامه اجتماعی - اقتصادی تعیین کننده خصلت انقلاب، سمت مبارزه برای پیروزی، حفظ و تحکیم آن، در رابطه با مسئله قدرت قرار دارد. نقش برنامه با اینکه مهم است، برای انقلاب تعیین کننده نیست.

در شیلی هنگام حکومت سالوادور آلنده هم اتحاد مردمی و هم نیروهای معروف به ماورا* چپ بقیه در صفحه بعد

همان زمان پیدا شد آنها به مثابه سازمانهای طبقاتی آغاز شده است، یعنی بحث درباره اینکه چگونه می‌توان انقلاب کرد.

(چ) قهرمانی، ابتراگری و اراده مبارزه‌جویانه، وجه مشترک برجسته احزاب ماست.

این فهرست را که کامل نیست، می‌توان عناصر ذهنی وحدت در شامکونی اوضاعی نامید که هر یک از احزاب ما در آن به سر می‌برد. اما به همین ترتیب، عناصر عینی وحدت نیز وجود دارد. دشمنان داخلی و خارجی ما، عبارتند از الیگارشی‌ها، شرکت‌های چند ملیتی که در امور داخلی کشورهای ما تأثیر می‌گذارند، فاشیست‌ها و امپریالیسم. اینها دشمنان مشترک مایند، و هر حزب کمونیست و کارگری که با آنها مبارزه کند، به رسالت شریف خود مطابق با انترناسیونالیسم پرولتری عمل می‌کند.

۳- بحران نظام سلطه امپریالیستی

به علت فعالیت دمکراتیک و انقلابی خلق‌های آمریکای لاتین و کارائیب، کل نظام سلطه امپریالیستی و همه مناسبات سرمایه‌داری وابسته در بحران است. تاریخ بگونه‌ای خردکننده اثبات کرده است که سرمایه‌داری وابسته قادر به حل مهم‌ترین مسائل، مانند عقب‌ماندگی اقتصادی، بی‌سوادی، بیکاری و غیره نیست. تاریخ این را نیز ثابت کرده است که سرمایه‌داری وابسته به انحصارات امپریالیستی در کشورهای آمریکای لاتین برای تحقق نقشه‌های خود، به فاشیستی کردن رژیم‌ها (مانند برزیل، شیلی، اروگوئه و غیره) رومی آورد و حقوق و آزادیهای دمکراتیک را لنگدوب می‌کند. بدین گونه، خلق‌هایی که قربانی این رژیم‌ها می‌شوند، دچار بحرانی مضاعف هستند: بحران ساختاری و سیاسی (در زیربنا و روبنا، در نظام مناسبات اقتصادی و در نظام سیاسی و حقوقی که دربرگیرنده اشکال سنتی حکومتی است).

ما کمونیست‌های السالوادور برپایه تجارب خود در تحلیل بحران سرمایه‌داری وابسته، از جمله بدین نتایج رسیده‌ایم: در السالوادور این امکان که توده‌های خلق بتوانند از راه تکامل تدریجی و یک روند تدریجی دمکراتیزاسیون به دمکراسی دست یابند، زایل شده است. علت این امر، ماهیت خود نظام سیاسی است: یک دیکتاتوری نظامی راست‌گرای کهنه که در ده سال گذشته فاشیستی شده است، و نیز ویژگیهای ضدملی بورژوازی السالوادور، مداخله فزاینده شرکت‌های چند ملیتی و مداخله سیاسی و نظامی آشکار امپریالیسم یانکی. به نظر ما، توده‌ها به دمکراسی واقعی تنها از طریق انقلابی می‌توانند دست یابند. آنچه به امکانات رشد مستقل ملی مربوط می‌شود، چنین امکاناتی در چارچوب راه رشد سرمایه‌داری که مدت‌هاست به آزمون گذاشته شده است، وجود ندارد. به نظر ما به هیچ وجه ممکن نیست که السالوادور رشد سرمایه‌داری مستقلی داشته باشد. استقلال سیاسی و اقتصادی و حاکمیت ملی تنها با نابودی رژیم‌هایی که ما راه امپریالیسم بسته‌اند، تنها با محور سرمایه‌داری وابسته و هرگونه امکان رشد

برداشتن به تنوع روندهای انقلابی در "جهان سوم"، حتی بگونه‌ای گذرا نیز از چارچوب موضوع این سخنرانی خارج خواهد شد. از این رومن توجه خود را بر آمریکای لاتین به مثابه جزئی تفکیک‌ناپذیر "جهان سوم" و نیز کشورم السالوادور، البته به صورت تئوریهایی بسیار عمومی، متمرکز خواهم کرد.

۱- شامکونی در وحدت

آمریکای لاتین به لحاظ جغرافیایی، یک نیم قاره بیکارچه از ریور اوپاتاگونیه به نظر می‌رسد و به لحاظ تاریخی نیز، ما به غیر از برزیل، به یک زبان سخن می‌گوییم، و جنبه‌هایی فرهنگی (آداب، مذاهب، اندیشه‌های یونانی - لاتینی) وجود دارند که موید این وحدتند. این امر بسیاری از پیرومشکران را بر آن داشته است که کشورهای آمریکای لاتین را به یک چوب برانند و نتایج نادرستی بگیرند.

با اینکه از چند سال پیش بدین سو، نظرات دقیق‌تری اشاعه یافته‌اند، برخی هنوز به این ساده‌کردن‌ها ادامه می‌دهند. اما واقعیت به گونه دیگری است: آمریکای لاتین نه در عرصه اقتصادی، نه در عرصه اجتماعی و نه در سطح مبارزات انقلابی، نیم‌قاره بیکارچه‌ای نیست. میان رشد اقتصادی برزیل، آرژانتین، مکزیک و ونزوئلا از یک سو و هندوراس از سوی دیگر، سیر نزولی روشنی وجود دارد. و در چارچوب یک منطقه مانند آمریکای مرکزی نیز این اختلافات دیده می‌شود. خصلت، مضمون، راه‌ها و اشکال مبارزات در راه ترقی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز به همین گونه متفاوت است. البته این حکم که اوضاع در آمریکای لاتین بطور کلی برای انقلاب مساعد است درست است، اما نیرومندترین بازتاب انقلاب میان این یا آن منطقه در حرکت است. در این سالها، توفان انقلاب دقیقاً در منطقه آمریکای مرکزی و کارائیب می‌وزد.

بطور کلی می‌توانیم براساس واقعیاتی که برمی‌شماریم بگوییم که در آمریکای لاتین هیچ خلقی که در آرایش مطلق زندگی کند وجود ندارد، اما باید بیافزاییم که به علت شرایط عینی و ذهنی، درجه رشد مبارزات خلق‌ها متفاوت است.

۲- وحدت در شامکونی

اما با اینکه می‌توان شامکونی ذکر شده را اثبات کرد، به همین ترتیب نیز می‌توان نشان داد که در رابطه با عناصر فعال انقلاب در آمریکای لاتین، مبنای واحدی وجود دارد. در اینجا منظور من به ویژه احزاب کمونیست و کارگری است. گرانقدرترین اجزای این مبنای واحد کدامند؟

الف) درک همه احزاب کمونیست و کارگری از نقش انقلابی اتحاد شوروی و کلیت کشورهای سوسیالیسم و اقوام وجود

ب) رد اندیشه تکامل تدریجی به عنوان راهی به سوی سوسیالیسم؛ در پیوند تنگاتنگ با این طرح، در میان احزاب کمونیست و کارگری آمریکای لاتین بحثی وجود دارد که به امروز و دیروز بر نمی‌گردد، بلکه عملاً از

به مناسبت زادروز جنبه‌رهایی ...

بقیه از صفحه قبل

اهمیتی مرکزی و تعیین کننده برای برنامه اقتصادی - اجتماعی قائل می‌شدند. اولی‌ها کلید هر مسئله و آینده انقلاب شیلی را در این می‌دیدند که از حدود برنامه اتحاد مردمی تجاوز نکنند، در حالی که برای دومی‌ها همه چیز در این خلاصه می‌شد که این برنامه را رادیکال تر کنند و مرزهای آن را بشکنند.

اما هیچ کس ست گیری موثری برای حل مسئله قدرت، از جمله برای دفاع از حکومت آلوده، تدوین و اجرا نکرد. اما ارتجاع دقیقاً بدین مسئله پی برده بود، و هرچه هنگام حکومت آلوده می‌کرد، متوجه آن بود که امکان خلع قدرت از خود را از میان ببرد.

تاریخ انقلاب جهانی، یک بار دیگر نشان داد "مسئله قدرت مسئله اصلی هر انقلاب است." برنامه، اما محوری و تعیین کننده نیست. آهنگ اجرای آن و درجه رادیکال بودن تحولات اجتماعی - اقتصادی، وابسته به شرایط ملی و بین‌المللی انجام هر انقلاب است. انقلابیون می‌توانند مناسب‌ترین آهنگ را برگزینند، هرگاه لازم باشد، به وقفه‌ها و کام‌هایی به عقب دست زنند، تنها به این شرط که واقعا قدرت را کسب و آن را به اتمام آورده باشند.

انقلاب اکثریت و سیاست اقتصادی نوین (نپ) در اتحاد شوروی، نمونه‌ای برای ضرورت کند کردن تحولات اجتماعی - اقتصادی است. در کوبا لازم آمد که هر شتاب رادیکالیزاسیون دگرگونیهای اجتماعی - اقتصادی افزوده شود تا از این دگرگونیها در برابر ضد انقلاب و محاصره توسط امپریالیسم بانکی دفاع به عمل آید. در نیکاراگوئه ضرورتاً آهنگ و عقب دگرگونی، درجه بندی شد. این تجارب، نیز ما را تایید می‌کند.

باید دیالکتیک مسئله قدرت و برنامه اجتماعی - اقتصادی را حتماً بطور اصلی روشن کرد. برای ارزیابی مسئله قدرت و تعیین رفتار حزب در وضعیت انقلابی، تژهای آوریل لنین کماکان مرجع محسوب می‌شوند. همه سائلی که لنین در سال ۱۹۱۷ مطرح کرد، متوجه کسب قدرت توسط پرولتاریای انقلابی و حزب او، متوجه آگاه کردن توده‌های وسیع دهقانان و توده‌های خلق بطور کلی و بسیج توده‌های خلق خود پرولتاریا و دهقانان برای تحقق هدف کسب قدرت بود. تژهایی که درباره موضوع قدرت طرح شدند، ناشی از اندیشه‌هایی بودند که به میزان زیاد توسط خود زندگی برانگیخته شدند. پاسخ به این مسئله که چرا جنبش کمونیستی آمریکای لاتین و سایر مناطق جهان سوم از مبارزه برای قرار دادن قدرت در مرکز عمل خود دست کشیده است، امری پیچیده است. ما پاسخ قانع کننده‌ای بدین پرسش نداریم. قطعاً بیش از یک پاسخ وجود دارد. اما به نظر ما، مسئله قدرت با مسئله خصلت و راه انقلاب پیوند خورده است.

خصلت و راه انقلاب

در کوبا یکی از قوانین انقلاب در نیم قاره ما نشان داده شد: انقلابی که در آمریکای لاتین در حال تکوین است، انقلاب سوسیالیستی است. در کوبا همچنین تایید شد که نمی‌توان به سوی سوسیالیسم پیش رفت و به انقلاب سوسیالیستی تحقق بخشید بدون اینکه این امر زیر پرچم دمکراسی و ضدیت با امپریالیسم صورت پذیرد، با این امر نشان داده شد که آنچه توده‌های گسترده را برای اقدام انقلابی بسیج می‌کند، شعارهای ضد امپریالیستی - دمکراتیک است. ثابت شد که انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک را نمی‌توان تا به آخر تحقق بخشید و از دستاوردهای آن دفاع کرد بدون آنکه به سوی سوسیالیسم پیش روییم. به عبارت دیگر، نمی‌توان به سوی سوسیالیسم

رفت بدون آنکه راه انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک طی شود، اما در عین حال بدون گذار به سوسیالیسم نیز نمی‌توان انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک را به فرجام رساند. از آنجاکه میان این دو، پیوندی ناگسستنی وجود دارد، اینها دو مرحله از یک انقلاب واحد و نه دو انقلاب.

بدین ترتیب، می‌توان دریافت که بدون حل اساسی مسئله قدرت، انقلاب نمی‌تواند وجود داشته باشد. انتظار اینکه توده‌های گسترده به آگاهی سوسیالیستی دست یابند و بعداً از ما به کسب انقلابی قدرت روی آوریم، بی‌نتیجه است. به نظر ما، فعالیت احزاب انقلابی - هرگاه به مسئله خصلت انقلاب چنین برخوردی داشته باشیم - باید تماماً متوجه قرار دادن مسئله قدرت در محور خود باشد.

تجربه مشخص مبارزه خصلت و راه انقلاب

نمی‌دانیم این تصور از کجا آمد، اما در حال حزب کمونیست السالوادور، و به نظر می‌رسد بسیاری دیگر از احزاب کمونیست آمریکای لاتین، دهه‌ها سال با تصور دو انقلاب کار کرده و تجربه کوبا را یک "ویژگی استثنایی" دانسته‌اند.

ما بارها در مجادلات خود گفته‌ایم که نباید مبارزه برای سوسیالیسم را مبارزه مستقیم برای قدرت دانست. ما جوهر مسئله را در نیافتاده و خود را قانع کردیم که انقلاب دمکراتیک الزاماً نباید توسط ما سازماندهی و پیش برده شود، بلکه ما می‌توانیم برای حفظ کسب‌کردگی طیف نیروهای دمکراتیک تنها به ایفای نقش ضروری پشتیبان اکتفا کنیم.

انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک برای ما "راه نزدیکی" بود که تحقق آن بدین ترتیب بود که به افشار "ترقیخواه" و "ضد امپریالیست"، افشار میانی، روشنفکران، نظامیان و غیره و حتی بورژوازی در اقدام عملی حق تقدم داده شود. برخی تجارب ظاهراً این تژ را تایید کردند، اما بالاتر از نادرستی آن را دیدیم. باید تاکید کنیم که این تژ در هیچ سند حزبی به صراحت گفته نشد، اما رفتار عملی حزب ما چنین بود. آنچه از چنین رفتاری برون می‌آید، نه حزب انقلاب است (و نمی‌تواند باشد)، بلکه حزب رفرم‌هاست. حزب کمونیست السالوادور برای ایفای نقش انقلابی خود ضرورتاً می‌بایست بر این تصور نادرست فائق می‌آمد. ما معتقدیم باید در جنبش کمونیستی آمریکای لاتین مبارزه ایدئولوژیک سترگی تعمیق یابد تا این مسئله روشن شود.

ما می‌دانیم که هنوز تحلیل جامع و به اندازه کافی عمیقی ارائه نداده‌ایم. این، تجربه خود ما بود که نتایج آن را به صورت اندیشه‌ها و پیشنهادها بدانهایی که در سطح علمی، روند انقلابی جهانی را می‌پرومند، ارائه کردیم. پیشنهادهای ما انگیزه‌ای برای بحث است.

مبارزه برای قدرت، راه و خصلت انقلاب

مسئله مبارزه برای قدرت، با بسیاری چیزها، و قبل از هر چیز با مسئله راه انقلاب و خصلت آن گره خورده است. اگر سخن بر سر تکوین انقلاب سوسیالیستی در آمریکای لاتین است، این امر متضمن آن است که از بورژوازی خلق ید و ماشین نظامی - بوروکراتیک آن درهم شکسته شود. در شرایط کنونی آمریکای لاتین (و به نظر ما همچنین در درازمدت) این امر از راه مسالمت آمیز تحقق پذیر نیست.

این تژ در آمریکای لاتین با تجربه دو انقلاب مسلح پیروزمند و شکست تلاش برای تحقق راه مسالمت آمیز در دمکراتیک‌ترین کشورهای قاره، یعنی شیلی و اروگوئه، به اثبات رسیده است. در هر دو مورد، ارتش‌های "نهادی شده" و "حرفه‌ای" و نه

واحدهای "کماندویی" سنتی مرسوم در قاره‌ها، کشتی انقلاب را که راه مسالمت آمیز را طی می‌کرد، نابود کردند. کاستاریکا (که به "سوشیال آمریکا" معروف است) امروز دستخوش موجی از سرکوب است. در این کشورها باند‌های مسلح فاشیستی وجود دارند، و این همه بر بستر یک بحران اقتصادی، انجام گسیخته است. به نظر ما، راه مسالمت آمیز انقلاب در آمریکای لاتین، به معنای رفرمیسم است.

هرگاه بپذیریم که انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک، بیشت لایقگی از انقلاب سوسیالیستی است، در این صورت انقلاب نمی‌تواند از طریق کسب قدرت از راه مسالمت آمیز و انتخابات تحقق یابد. درهم شکستن ماشین دولتی سرمایه‌داران و ارپاهان امپریالیست و برپایی قدرت نوین و دولت نوین، به این یا آن شکل اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در چنین شرایطی روشن است که راه مسالمت آمیز، راه انقلاب نیست.

البته با اینکه ما به دلایل ذکر شده از راه غیر مسالمت آمیز انقلاب پشتیبانی می‌کنیم، این امر شافی مبارزه برای تحقق اصلاحات اجتماعی - اقتصادی نیست. این مبارزه، نقش مهمی در تربیت سیاسی توده‌ها و در تشکیل اتحادها دارد. از این گذشته، تحولات "عمیق" برنامه ضد امپریالیستی - دمکراتیک بنا به ماهیت خود، رفرم‌اند، زیرا به خودی خود نمی‌توانند سرمایه‌داری را محو کنند، بلکه برعکس، آن را تقویت می‌کنند. آنچه بدین برنامه خصلت انقلابی می‌دهد، نبرد انقلابی برای قدرت و کسب انقلابی قدرت است.

طبق طرح ما، برنامه ضد امپریالیستی - دمکراتیک، باید آنهایی را که قدرت را در دست دارند، به مبارزه بطلید و بازتاب تلاش برای کسب قدرت باشد. هرگاه نیروهای انقلابی فاقد برنامه‌ای روشن باشند، بدین آگاهی که با نیروهای بورژوازی حاکم تفاوت اصولی دارند، نخواهند رسید. دقیقاً فقدان چنین صراحتی است که همراه با شرایط دیگر، نیروهای انقلابی را به ست از دست دادن امید به کسب قدرت می‌راند و آنها را به نوعی بدبینی تاریخی دچار می‌کند. این امر به قدرت‌گیری چریک‌ان رفرمیستی و رویزیونیستی که مدافع انطباق یافتن پرولتاریا با سرمایه‌داری و نه محو سرمایه‌داری از طریق انقلاب هستند، می‌انجامد. "سازش‌های تاریخی" یا هر نام دیگری که بر آن نهفته، اشکال بروز رفرمیسم و رویزیونیسم‌اند.

در طول یازده سال، در صفوف ما تصورات و توهمات رفرمیستی ایجاد شد. تجارب حزب کمونیست السالوادور حاکی است این تصورات ناشی از اشتباهات و ضعف‌های ایدئولوژیک - تئوریک در برخورد به مسئله قدرت و مسئله خصلت و راه انقلاب و نیز تأثیر برنامه متحدان دمکراتیک مادر ارتباط با کارزارهای انتخاباتی بود. برای اینکه خود را از این بارها کنیم، ضرورتاً می‌بایستی دست به انتقاد از خود صریح و عمیقی می‌زدیم و در مدت کوتاهی اقدامات شجاعانه و دشواری انجام می‌دادیم. از آنجا که حزب ما از آغاز تاسیس خود در سال ۱۹۲۰ غیرقانونی بوده است، هیچگاه نتوانسته است در انتخابات به نام خود شرکت کند. اما فعالیت انتخاباتی یازده ساله حزب به توده‌های زحمتکش و توده‌های مردم به طور کلی کمک کرده است که دوره فشرده‌ای از آموزش سیاسی را بگذرانند. فعالیت ما در این رابطه، اکثریت مردم را به ست اهداف ضد امپریالیستی - دمکراتیک جلب کرد، به مردم و همه نیروهای دمکراتیک به موقع در مورد خطر فاشیسم هشدار داد و به تسریع بحران دیکتاتوری نظامی به مثابه نظام حکومتی، یاری رساند.



پیریک مسلح السالوادوری و مردم

بدیهی است در این امر بسیاری از دیگر جوانب مسئله مستتر است، به ویژه این واقعیت که در جنب تشکیلات احزاب سازمانهای انقلابی دیگری پیدا شدند. این دگم کهنه که حزب کمونیست بنا به تعریف خود " (تلها) حزب طبقه کارگر"، " (تلها) پیشاهنگ مبارزه ضدامپریالیستی و مبارزه برای سوسیالیسم" و غیره است، مانع و یا حتی نافه توانایی درک ما از این امر است که در شرایط طبقه اجتماعی و سیاسی ایجاد شده توسط سرمایه داری وابسته در آمریکای لاتین، پیدایش سازمانهای چپ مسلح، اجتناب ناپذیر است، و بنابراین نمی توان از سیاستی نظام یافته در برابر آنها دست کشید، سیاستی که مبارزه ایدئولوژیک علیه اشتباهات آنها و مبارزه برای وحدت با آنها را به هم پیوند دهد و بر ارتقای واقعی خصلت انقلابی، خصلت طبقاتی و نقش پیشاهنگ حزب ماموتی باشد.

اشتباهات و ضعف های حزب کمونیست، مثلاً در السالوادور، تنها علت پیدایش این سازمانهای چپ نیستند. حتی اگر حزب چنین اشتباهاتی مرتکب نمی شد، سازمان یا سازمانهای دیگری در چپ شکل می گرفت. در اینجا علاوه بر عوامل ذهنی، دلایل عینی نیز وجود دارد.

ساختار طبقاتی سرمایه داری در مرحله رشد متوسط، به ویژه سرمایه داری وابسته آمریکای لاتین، شیوه تولید و روپنای دولتی آن در درون خود بقایای صورتبندی های ماقبل سرمایه داری را حمل می کنند و از این طریق به چنین گرایشهایی می انجامند.

بقیه در صفحه بعد

نشان می دهند، آنها با تمام قوا در سازماندهی و پیشبرد مبارزه مسلحانه که در آمریکای لاتین و بسیاری از مناطق "چپان سوم" راه انقلاب است، می کوشند.

آنها هرگاه اشتباهات به شکست شان نینجامد، به همان میزانی که به مبارزه خود ادامه دهند، ذره ذره از عقب کردهای خود درس می گیرند، از اشتباهات سیاسی خود می آموزند و بالاخره از بهیاری چپ روی نجات می یابند. بسیاری از این سازمانها وجود دارند که هرگز قادر به تصحیح اشتباهات خود نمی شوند. آنها هرگاه ناپدید نشوند، دهها سال به حیات خود به مثابه گروههای زیرزمینی ادامه می دهند و حتی به ترور فردی روی می آورند. ما معتقدیم که اگر کمونیستها در مبارزه برای وحدت چپ شی درست در پیش گیرند، این امر به تصحیح اشتباهات چپ روانه شتاب بیشتری داده و به آن کمک خواهد کرد. اما کمونیستها هرگاه اشتباهات راست و فرمیس خود را تصحیح نکنند، نمی توانند این نقش را به عهده گیرند.

هرگاه فرمیس تصحیح نشود، مناسبات میان کمونیستها و چپ مسلح - اگر ظواهر را کنار بگذاریم - در عمل و در اساس به مناسبات میان فرم و انقلاب تبدیل می شود. و روشن است که فرمیستها بهتر می توانند با فرمیستها کنار بیایند. به نظر ما این دلیلی بر این امر است که ما کمونیستهای آمریکای لاتین حرف انتهایی را که درست است ما قرار دارند بهتر می فهمیم تا سخن چپ تر از خودمان را.

در این مورد لازم است که سخنان لنین در اثر خود "در باره دولت" را به یاد آوریم. "... تنها سرمایه داری بود که به کمک فرهنگ شهرنشینی به پروتیرا امکان داد به خود آگاهی برسند و جنبش بین المللی کارگری و میلیونها کارگر متشکل در احزاب سراسر جهان را بوجود آورند، احزاب سوسیالیستی که مبارزه توده ها را آگاهانه رهبری می کنند. بدون پارلمانتراریسم و بدون حق رای، این روند رشد طبقه کارگر امکان پذیر نمی بود." (۲)

خود زندگی در السالوادور نشان داد که شرکت کمونیستها در انتخابات، نقش سیاسی بزرگی در رشد مبارزه برای انقلاب ایفا کرده است. هرگاه امروز به این دوره بنگریم، می توانیم تاکید کنیم که جنبش انقلابی کنونی، برنامه و شی آن، سنتزی از مبارزه مسلحانه، مبارزه سیاسی و مبارزه توده ای و نیز کار سیاسی - ایدئولوژیک حزب کمونیست السالوادور و نیز سازمانهای برادر محسوب می شود.

ما در مبارزات انقلابی خود همواره گفته ایم که تا آنجا که به السالوادور مربوط می شود، نمی توان از طریق صندوق های انتخابات به قدرت دست یافت، انتخابات نمی تواند مرحله ای از مبارزه در راه کسب قدرت باشد، بلکه باید قدرت را با اشکال دیگر مبارزه کسب کرد. این امر به ایجاد شرایط سیاسی برای روی آوردن گسترده و جمعی توده ها به حمایت از مبارزه مسلحانه و پیوستن شمار فزاینده ای از مردم به سازمانهای مسلح به عنوان اعضا و رزمندگان آنها، یاری رسانده است.

برای تحقق روی آوردن حزب ما به مبارزه مسلحانه، می بایستی موانع ایدئولوژیک و سازمانی هر سر راه تصمیمات برای اجرای این چرخش را از میان برمی داشتیم. ما این کار را به سرعت انجام دادیم، و این تلاشها از این رو موفقیت آمیز بود که توانستیم اؤتیه ای که در شرایط مشابه اغلب به کار گرفته می شود، یعنی گذاشتن تقصیر بگردن دیگران در حزب یا سازمانهای دیگر، اجتناب کنیم. چنین شیوه ای یعنی اجتناب از نگرستن به چهره حقیقت و کمک به تشکیل فراکسیون.

پراتیک، صحت تصمیمات ما را ثابت کرده است. ما همراه با چهار سازمان انقلابی برادر، پیشاهنگ مبارزه انقلابی در السالوادور را تشکیل می دهیم. چشم انداز این پیشاهنگ در رابطه با وحدت چپ این است که رهبری واحد انقلاب را تشکیل دهد و حزب واحد مارکسیستی - لنینیستی را به عنوان منطبق ترین، مطلوب ترین و مفیدترین نقطه اوج روند وحدت چپ السالوادور، بوجود آورد.

۵- وحدت چپ انقلابی

در آمریکای لاتین، احزاب کمونیست تنها گردانهای پیشاهنگ نیستند. در کشورهای ما، **نامرگونی پیشاهنگ** وجود دارد. پیشاهنگ در بسیاری موارد هنوز پراکنده است. درک این امر یعنی طی کردن بخش مهمی از راه تشکیل وحدت چپ انقلابی که خارج از احزاب کمونیست ایجاد شده است. ما کمونیستهای آمریکای لاتین مدتها فاند می منسجم و نظام یافته ای برای وحدت همه نیروهای چپ، از جمله چپ مسلح بودیم. در این مورد، عوامل مختلفی موثر بوده اند. اما بطور کلی (اگر نه در همه موارد) مهمترین عامل این بوده است که آنهایی که درست چپ ما دست به سلاح می برند، در مبارزه ای واقعا انقلابی شرکت می جویند. البته آنها مرتکب اشتباهاتی در موضع گیری های سیاسی خود می شوند که ویژه رادیکالیسم چپ است. آنها به حزب کمونیستها شدیداً حمله می کنند، اما در یک مورد مهم، تیر راه

برای تدارک دائمی اتحادها، مبارزه‌ای برای قدرت بود که در آن طرح‌های دیمیتروف در باره چپبه واحد کارگری، چپبه خلق و چپبه ضد فاشیستی، و اشکال گوناگون مبارزه عتلی و مخفی، قاضونی و غیرقاضونی بایکدیگر گره خورده بودند.

در سیاست چپبه واحد، خصلت تهاجمی آن، مهمترین ویژگی است، و جنبه‌های تدافعی، ثانویه و تکمیلی‌اند. لازم است که خصلت تهاجمی این سیاست مورد تاکید قرار گیرد و از آن دفاع شود. خصلت تهاجمی این سیاست توسط مبارزه برای کسب قدرت تعیین می‌شود، و دقیقاً همین است که به چپبه واحد، اهمیت انقلابی می‌دهد. بدون مبارزه برای قدرت، این سیاست، حزب را محکوم به ایفای نقش یک نیروی ساده کمکی می‌کند.

از مدت‌پیش روشن شده است که مبارزه برای قدرت به معنی آن نیست که مرحله در شیپور حمله بدمیم و یا در هر مقطع، صرفنظر از درجه رشد شرایط، دست به اسلحه ببریم. اما نمیتوان از دست دادن مبارزه در این جهت و تصمیم‌گیری مطابق با این ضرورت طفره رفت، چرا که در این صورت رسالت تاریخی حزب در قبال پرولتاریا و سوسیالیسم ایفا نشده و مسخ خواهد شد.

هسته مرکزی چپبه واحد در شرایط آمریکای لاتین

طبق نسخه‌های کلاسیک، اتحادهای پرولتاریای انقلابی مانند سیستمی از دایره‌های متحد مرکزند - هسته آن، چپبه کارگری است، حول آن چپبه ضد فاشیستی خلق است که هرگاه با فاشیسم به صورت یک متجاوز خارجی روبرو شویم، گسترده‌تر می‌شود. این طرح، در آمریکای لاتین امروز اهمیت سترگی دارد. البته مشخصات آن ضرورتاً با روندهای انقلابی انطباق می‌یابد.

احزاب کمونیست در آمریکای لاتین، مانند اروپای دهه ۲۰ در موقعیت تنها پیشاهنگ مارکسیست - لنینیست نیستند. در کشورهای ما، همانگونه که ذکر شد، شاهمکونی پیشاهنگ وجود دارد که در موارد زیادی هنوز پراکنده است. از این رو، هسته مرکزی چپبه واحد باید وحدت نیروهای انقلابی، و به ویژه آنهاهایی باشد که خواستار سوسیالیسم‌اند، با این هدف که رهبری هرکل جنبش نیروهای ترقیخواه تأمین و یک حزب واحد مارکسیست - لنینیست ایجاد شود. در ایجاد گسترده‌تر، کار در چارچوب چپبه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک انجام می‌گیرد، و در مواردی که با دیکتاتوری‌ها با فاشیسم مواجهیم، لازم است کار گسترده‌تری با همه آنهاهایی انجام دهیم که با آن مقابله می‌کنند، حتی اگر ضد امپریالیست نباشند.

کار برای چپبه واحد، توسط بهره‌گیری از تضادها در چپبه دشمن تکمیل می‌شود. این امر اغلب مستلزم پیماها و توافق‌های موقتی با آنهاهایی است که در وهله ثانوی دشمن ما محسوب می‌شوند.

در پایان این بخش متذکر می‌شوم که تجربه به ما می‌آموزد ستون فقرات چپبه واحد در آمریکای لاتین باید نیروهای انقلابی پیکر باشند. در این رابطه، وحدت چپ شرط ضروری ایجاد چپبه واحد است و از این رو ایجاد استراتژیک دارد.

پانویس‌ها

- ۱ - شقیق خورخه هندل، قدرت، خصلت و راه انقلاب و وحدت چپ، در مبانی و چشم‌اندازها، نشریه تلوریک حزب کمونیست السالوادور، شماره ۴، ژانویه ۱۹۸۲.
- ۲ - و. ا. لنین، درباره دولت، مجموعه آثار، ج ۲۹، ص ۴۷۷.

آگاهانه ناکفته گذاشتم، و آن پیوستن قبایل بومیان به مبارزه انقلابی در گواتمالا است. نخستین مورد از این گونه در قرن حاضر توسط توده‌های بومیان السالوادور تحقق پذیرفت که تحت پرچم حزب کمونیست السالوادور در ژانویه ۱۹۲۲ قیام کردند تا دوشادوش طبقه کارگر در حال شکل‌گیری ما، به قدرت دست یابند.

در گواتمالا این قبایل بومی که برخی از آنها با اقتصاد طبیعی زندگی می‌کنند، در جنبش چریکی سهیمند. رشد سازمان یافتگی و آگاهی سیاسی آنها علیرغم عقب‌ماندگی صدساله و سلطه نیروهای حاکم بر بخشی از آنها در این کشور برادر، چشمگیر است. و این تضادنی نیست، بلکه ناشی از کاربست درست مشی توده‌ای سازمانهای چپ انقلابی گواتمالا است.

۶ - درباره چپبه واحد

مسئله چپبه واحد برای جنبش کمونیستی آمریکای لاتین حائز اهمیت مبرم است. همانگونه که ذکر شد، در آمریکای لاتین نیروهای انقلابی شاهمکوند. شمار زیادی از عناصر فعال و شیوه‌های فعالیت شکل گرفته است. جنبش‌های عصیانگرانه در چندین کشور رو به رشدند، حضور فاشیسم احیا شده است، و تضادهای امپریالیسم یانکی با خلقها و حتی متحدان سنی و ابراهای سنتی سلطه‌اش، تشدید و تعمیق می‌یابند.

ما کمونیستهای آمریکای لاتین، ضرورت درهم شکستن دگم‌ها و تکامل و کاربست خلاق ثنوری برای ایفای رسالت انقلابی و نقش پیشاهنگ احزاب خود را فرمولندی کرده‌ایم. امروز نیز مانند گذشته به خلاقیت، شجاعت و عدم تنزل نیاز داریم. در اینجا منظور ما نه تنها شجاعت در مقابل دشمن، بلکه همچنین شجاعت در برابر خود، شجاعت انتقاد از خود است. مشی چپبه واحد پس از ده سال که در همه قاره‌ها به آزمون گذاشته شده، اعتبار خود را حفظ کرده است.

هم اکنون به عناصر نوین در سیاست چپبه واحد، بگونه‌ای که حزب کمونیست السالوادور آن را ارزیابی می‌کند، می‌پردازیم.

چپبه واحد و مبارزه برای قدرت

برخی در خفا چنین استدلال می‌کنند که تضادی حل‌نشده میان کار برای چپبه واحد و مبارزه برای قدرت وجود دارد. در مواردی، مبارزه برای قدرت را در پیشگاه نزدیکی به مهمترین متحدان (مثلاً نظامیان ترقیخواه) قربانی می‌کنند. در مواردی دیگر، می‌خواهند به گسترده‌ترین طیف شامل همه نیروهای دمکرات از هر نوع دست یابند. و باز در مواردی دیگر، قصد، استفاده از تضادها در اردوی دشمن است. و بالاخره مواردی وجود دارد که در آن، تاها را برای پیشبرد مبارزه در راه قدرت، از چپبه واحد دست می‌کشند، چرا که کسب قدرت "تنها با اتحاد کارگران و دهقانان تحقق پذیر است."

ما بر پایه تجارب خود و انقلابهای ضد دیکتاتوری، ضد امپریالیستی و سوسیالیستی پیروزمند در آمریکای لاتین می‌گوییم چنین تضادی وجود ندارد. مبارزه برای قدرت به خودی‌خود به فرقه‌گرایی منجمد، نه مانع گسترده‌ترین توافق‌ها با همه نیروهای دمکراتیک، از جمله هرگونه متحد ویزه ارزشمند است و نه مغایر با استفاده از تضادها در چپبه دشمن است. کاملاً برعکس، جدا کردن سیاست چپبه واحد از مبارزه برای قدرت، سرچشمه ابورتونیسم راست، رفرمیسم و حتی واژدگی که از این دو نیز خطرناک‌تر است، به شمار می‌رود.

بیاد آورییم که از نظر دیمیتروف، ایجاد چپبه واحد همواره در ثنوری و پراتیک در خدمت مبارزه برای قدرت و برای سوسیالیسم بود. سراسر مبارزه حزب کمونیست بلغارستان علیه فاشیسم، مبارزه آن

بقیه از صفحه قبل
در السالوادور روندهایی که به رشد ناگهانی سرمایه‌داری وابسته انجامیدند، در سالهای ۵۰ و به ویژه ۶۰ صورت گرفتند. این روندها، نیروهای اجتماعی جدیدی پدید آوردند که بدون به حساب آوردن آنها نمی‌توان طیف کلیه نیروهای سیاسی را که امروز در کشور ما در برابر هم قرار گرفته‌اند، درک کرد.

هرگاه مسئله نیروهای نوین اجتماعی را بررسی کنیم، در السالوادور می‌بینیم که از دل روند صنعتی شدن در این سالها، طبقه کارگر جدیدی پدید آمد که از نقطه نظر فنی از طبقه کارگر صنفی قدیمی، متخصص‌تر، اما دارای آگاهی طبقاتی بسیار ضعیف‌تر است. این امر به علت پیدایش سریع آن از میان دهقانان و خرده‌بورژوازی شهرستانهاست. پرولتاریا و نیمه پرولتاریای روستایی‌ای به وجود آمد که به علت اینکه زمان کمی از پرولتاریزه شدن آن می‌گذشت، بسیار رکش و عصیانگر است. به علت مهاجرت به شهرها که ناشی از رشد سرمایه‌داری در کشاورزی بود، بخش عظیمی متشکل از اقشار حاشیه‌نشین شهری پدید آمد. همچنین به علت گسترش آموزش متوسطه و دانشگاهی که امکانات اشتغال مطابق با آن رشد نیافت، قشر روشنفکری خرده‌بورژوازی‌ای به وجود آمد که از نیمه جزا اقشار حاشیه‌ای است.

تنها اگر این مسئله، یعنی پیدایش نیروهای اجتماعی نوین بر اثر گسترش سرمایه‌داری وابسته را در باییم، درک خواهیم کرد که امکان ایجاد سازمانهای سیاسی واقعی انقلابی در خارج از تشکیلات احزاب کمونیست، به طور عینی موجود است و بسیار پیشتر به کشورهای سرمایه‌داری وابسته مربوط می‌شود تا به کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری. اینها سازمانهایی هستند که از مارکسیسم - لنینیسم پیروی می‌کنند، در برابر خرده‌دورنمای سوسیالیسم را قرار می‌دهند، اما در عین حال در پیوند با جنبش بین‌المللی کمونیستی نیز نیستند.

البته موارد تبدیل چنین گروههایی به هسته‌های شوم خرابکاری و اختلال ایدئولوژیک کم نیستند. در آمریکای لاتین آنچه این سازمانها می‌گویند، به بیماری کودکی چپ‌روی که لنین از آن انتقاد کرده، بسیار شبیه است، اما حاملان آن دقیقاً یکی نیستند. این سازمانها در جایی نیز که احزاب کمونیست تکامل یافته وجود دارند، شکل می‌گیرند، و پس از سرکوبی و نابودی فیزیکی نیز دوباره سربر می‌دارند. بنابراین آنها با حزب ناپختگی جنبش کارگری و احزاب کمونیست نیستند و با رشد آنها از میان نمی‌روند، بلکه مرتباً تشکیل می‌شوند و اغلب به سازمانهای بزرگتری از احزاب کمونیست تبدیل می‌شوند. احزاب کمونیست در اکثریت کشورهای ما، با اینکه بطور متوسط نیم قرن سابقه دارند، کوچک و کم نفوذند. از این رو به نظر ما تحلیل از رشد سریع سازمانهای چپ اهمیت زیادی دارد. ما کوشیده‌ایم بدین مسئله بپردازیم، آن را در عرصه عینی پشکافیم و مورد بحث قرار دهیم.

هنگام تدارک و بحث درباره "مبانی و تزهایی در باره مشی عمومی حزب کمونیست السالوادور" و گزارش کمیته مرکزی، که هر دو به کفتره مفتت ارائه شد، و در چارچوب تلاشهای توام با انتقاد از خود برای تحقق چرخش به سمت مبارزه مسلحانه، ما به گونه‌ای دقیق‌تر و مفصل‌تر طرح خود برای وحدت چپ انقلابی را تدوین کردیم. ما این وحدت را به صورت استراتژی‌ای برای روند انقلابی و ساختمان چپبه واحد طرح‌ریزی کرده‌ایم. باز هم به امر خواهم پرداخت.

هنگامی که گفتیم در آمریکای لاتین نیروهای انقلابی مختلفی وجود دارند، یکی از جزئیات مهم را

اخبار کوتاه

● به دنبال تظاهرات دانش‌آموزان علیه افزایش قیمت‌ها در سودان، در شهر خارطوم بابتخت این کشور مدارس تا اطلاع ثانوی تعطیل شدند. تظاهرات دانش‌آموزان که در جریان آن ۲۵ تن مجروح شدند، به دنبال اعلام برنامه اقتصادی دولت صورت گرفت. این برنامه تحت فشار صندوق بین‌المللی پول تنظیم شده است.

● حنی مبارک رئیس جمهوری مصر در جریان یک "رفراندوم" باردیگر به مدت ۶ سال در سمت خود ابقا شد. وی تنها کاندید انتخابات بود. به ادعای رژیم مصر ۸۸ درصد واجدین شرایط رای‌گیری شرکت کرده و از این میان، ۹۵ درصد به مبارک رای دادند.

● بر اثر ریزش کوه، یک محله فقرنشین شهر مدلین در کلمبیا به کلی در زیر خاک مدفون شد. ۵۰۰ تن که اغلب آنها را زنان و کودکان تشکیل می‌دادند، در این فاجعه کشته شدند. محله مدفون شده، از سوی دولت، گورستان اعلام شد. زائغه‌نشینان کلمبیا، از فرط تنگدستی ناچار به سکونت در کلبه‌هایی هستند که در حاشیه شهر مبدون انجام عملیات لازم خاکبرداری ساخته می‌شود.

● در روز شنبه سوم اکتبر نیروهای ارتش آفریقای جنوبی باردیگر به جنوب آنگولا حمله کردند تا به باند‌های ضد انقلابی اونیته یاری رسانند. هواپیماهای جنگی رژیم آپارتاید مناطقی از آنگولا را بمباران کردند. وزارت دفاع آنگولا اعلام کرد به افند هوایی این کشور ۱۰ هواپیمای نژادپرستان را سرنگون کرده است.

● علت حمله چنایتکارانه آفریقای جنوبی به آنگولا، موفقیت‌هایی است که ارتش خلق آنگولا طی هفته‌های گذشته در نبرد علیه ضد انقلابیون کسب کرده است.

● جنبش‌های رهایی بخش و رژیم دوارته در السالوادور توافق کردند دو کمیسیون برای بررسی طرح صلح آمریکای مرکزی تشکیل دهند. این کمیسیون‌های مشترک، قرار است تا چهارم نوامبر گزارش خود را منتشر کنند.



● هیات انقلابیون السالوادور پس از مذاکرات با هیات دولتی به احساسات مردم پاسخ می‌دهند. نفر دوم از راست، گیلرو مونکوره رهبر جبهه دمکراتیک انقلابی و نفر سوم از راست، شفیق خورخه مندل، فرمانده کل جبهه رهایی بخش ملی فارابوند و مارتی و دبیر کل حزب کمونیست السالوادور است.

آفریقای جنوبی: موفقیت اعتصاب کارگران

نخست، موفقیت کارگران ناچیز جلوه کند. اما باید در نظر گرفت که مدیریت کارخانه بنژ نامدت‌ها آماده مذاکره نبود و هرگونه خواست کارگران وارد می‌کرد.

رهبر کارگران فلز گفت: "مدیریت کارخانه بنژ، بخشی از نظام آپارتاید در آفریقای جنوبی است. این شرکت درست مانند رژیم پوتاخواست‌های ما را نادیده می‌گیرد." شکامتو خود در شمار ۱۸۸ کارگری بود که در روزهای نخست اعتصاب اخراج شدند. شمار کارگران اخراجی در این اعتصاب تقریباً به ۲ هزار رسید.

کارگران کارخانه اتومبیل‌سازی بنژ در آفریقای جنوبی توانستند به دنبال هفته‌ها اعتصاب، حداقل دستمزد را از ۴/۰۴ به ۵/۱۵ رشد افزایش و ساعات کار هفتگی را از ۴۴ به ۴۲ کاهش دهند. تاکنون شکامتو رهبر اتحادیه ملی کارگران فلز آفریقای جنوبی به دنبال این موفقیت گفت این دستاوردها تنها با مبارزه قاطع کارگران امکان‌پذیر شد. وی افزود هنگامی که در ژوئیه ۱۹۸۸، دور جدید مذاکرات کارگران با مدیریت کارخانه آغاز شد، کارفرما این عزم راخ کارگران را به یاد خواهد داشت. شکامتو اظهار داشت ممکن است در نگاه

از سرگیری جنگ داخلی سری لانکا

آزادی بخش تامیل "و معاون اول اودیده می‌شود. یک سخنگوی دولت هند در دهمی نو گفت نیروی ۱۰ هزار نفره ارتش هند در سری لانکا دستور دارد پست‌های کنترل و راه‌په‌دان‌های جدید ایجاد کند. هم‌چنین نیروهای هندی با تشکیل گشتی‌هایی به جستجوی مقرهای چریک‌ها خواهند پرداخت.

علاوه بر جنگ مناطق شمالی و شرقی کشور، کلمبو پایتخت سری لانکا نیز دستخوش ناآرامی است. افراتیون سنگالزی که مخالف قرارداد کلمبو میان سری لانکا و هند است، دست به چند فقره بمب‌گذاری زده‌اند.

تنها چند هفته پس از موافقتنامه هند و سری لانکا برای پایان دادن به جنگ داخلی در سری لانکا، این جنگ با شدت تمام از سر گرفته شد. به دنبال خودکشی ۱۲ تن از اعضای دستگیر شده "بهرهای آزادی‌بخش تامیل"، این سازمان تعدادی از اسرای خود را که اکثر آن‌ها را افراد ارتش سری لانکا تشکیل می‌دادند، به قتل رساند. در درگیری‌های مسلحانه‌ای که هفته گذشته شدت گرفت، نیروهای ارتش هند به حمایت از نیروهای دولتی شرکت دارند. ارتش هند در روز جمعه نیم اکتبر بیش از ۲۰۰ تن را در مناطق شمالی و شرقی جزیره سری لانکا دستگیر کرد. در میان دستگیر شدگان، نام ولو بیلابی پراپاکاران رهبر "بهرمان

آشوب آفرینی افراتیون مذهبی در تبت

بالاترین ارقام در سراسر چین است. جدایی طلبان، از دالای لاما پادشاه پیشین و رهبر کاهنان بودایی که هم‌اکنون در هند اقامت دارد، طرفداری می‌کنند.

آشوب طلبان در جریان ناآرامی‌های هفته گذشته چند اتومبیل را آتش زده و با تصاحب سلاح‌های پلیس، به روی مردم شلیک کردند. نیروهای دولتی طبق دستور موقت مقامات، از کاربرد اسلحه گرم خودداری می‌کردند.

روژنامه مردم چاپ یکن ضمن محکوم کردن جدایی طلبان مذهبی، تأکید کرد تبت چیزی از جمهوری خلق چین است.

هفته گذشته استان تبت چین شاهد آشوب آفرینی افراتیون مذهبی و ناسیونالیست بود. این ناآرامی‌ها در لاسا مرکز تبت بیشترین ابعاد را داشت. هم‌چنین در شهر ژیکاتزه واقع در ۶۰۰ کیلومتری لاسا نیز تظاهرات ضد چینی صورت گرفت. دولت چین به دنبال این ناآرامی‌ها، اسنادی حاکی از دخالت عوامل آمریکایی در این وقایع را منتشر کرد. خبرنگاران غربی اکنون از مسافرت به تبت منع شده‌اند.

تبت از هنگام الحاق آن به چین در سی سال پیش، از منطقه‌ای به شدت عقب‌مانده به استانی تبدیل شده است که رشد اقتصادی در آن، از

آغاز دور جدیدی از مبارزات معدنچیان بریتانیا

مبارزه شدند. انکیزه آغاز این مبارزه، لغو یکجانبه مقررات رسیدگی به دعاوی کارگران و کارفرما از جانب شرکت دولتی زغال سنگ بریتانیاست. تاکنون رسیدگی به دعاوی برعهده کمیسیون دآوری مشترک با شرکت نمایندگان کارگران و مدیریت معدن بود. طبق مقررات جدید، قرار است این دآوری صرفاً برعهده محاکم کار قرار گیرد و بدین ترتیب، از اختیارات اتحادیه کارگری کاسته می‌شود.

از هفته‌ها پیش، مذاکراتی میان اتحادیه معدنچیان و کارفرما در جریان است، اما شرکت زغال سنگ بریتانیا بر مقاصد خود پافشاری می‌کند.

اتحادیه ملی معدنچیان بریتانیا، از روز دوشنبه ۲۱ سپتامبر دور جدیدی از مبارزه را آغاز کرد.

به دعوت این اتحادیه، ۱۰۴ هزار کارگر عضو آن از روز ۲۱ سپتامبر، از انجام اضافه‌کاری خودداری می‌کنند. "اعتصاب اضافه‌کاری" نخستین اقدام مبارزه‌جویانه گسترده معدنچیان بریتانیا از هنگام اعتصاب یک ساله ۱۹۸۵-۱۹۸۴ است. این اعتصاب تاریخی، بدون دست یافتن به هدف خود پایان یافت. با اینکه بسیاری از کارگران، هنوز مشغول به پرداخت قروض خود از بابت اعتصاب سنگین نامبرده هستند، ۷۷/۵ درصد از اعضای اتحادیه با دادن رای مثبت، خواهان آغاز دور جدید

زندگی دشوار کارمندان و بازنشستگان

بخش قابل توجهی از آنان دیپلمه هستند، باعث می شود که سطح حقوق ها در موسسات خصوصی روز بروز کاهش یابد. مثلا اکنون یک حسابدار با سطح تحصیلات لیسانس، در اکثر موسسات خصوصی بیشتر از ۵ یا ۶ هزار تومان حقوق دریافت نمی کند. نحوه تعیین حقوق در این موسسات بر این پایه است که متقاضیان کار باید حقوق درخواستی خود را مشخص کنند. ملاک گزینش غالبا در این گونه استخدام ها پایین ترین حقوق درخواستی قرار می گیرد.

وضعیت گذران زندگی کارمندان بازنشسته به مراتب اسفناک تر از وضعیت شاغلین در ادارات و موسسات دولتی و خصوصی است. چندی پیش دولت طی بخشنامه محرمانه ای توصیه کرده بود که به وضع بازنشستگان رسیدگی شود. در این بخشنامه بر این نکته اشاره شده بود که دو تن از گدایان دستگیر شده، جزو بازنشستگان ارتش بوده اند.

فشار خرد کننده گرانی و درآمد ناچیز کارمندان و بازنشستگان باعث شده است که بخشی از آنان بهد از فراغت از کار اداری خود، به کار خرید و فروش و دلای کوبین اوراق عمومی بپردازند. عده ای از کارمندان و بازنشستگان نیز، مجبور شده اند در نقاط دور از محل زندگیشان به دستفروشی روی بیاورند بطوریکه روز به روز بر تعداد دستفروشان کارمند - هر چند که تن دادن به این کار برای آنها زجر آور و دشوار است - افزوده می شود.

در شرایطی که قیمت های مایحتاج عمومی و مورد نیاز مردم به طور سرسام آوری سیر صعودی می یابند، کاهش حقوق و مزایای ثابت کارمندان دولتی و موسسات خصوصی سال به سال کماکان سیر نزولی دارد. این امر زندگی آنان را روز به روز بیشتر فلج می سازد. اکنون فشار گرانی بر روی خانواده هایی که از حقوق ثابتی برخوردارند، بطور خردکننده ایی آنان را در تنگنا قرار داده است. حقوق و تمام مزایای یک کارمند شرکت نفت پایا زده سال سابقه کار از ۶ یا ۷ هزار تومان بالا نمی زند. و یا حقوق کارمند پست یا چند سال سابقه کار حدود ۴ هزار تومان است و یک دبیر دبیرستان راهنمایی همچنان ۲۳۰۰ تومان در ماه حقوق می گیرد. با توجه به سطح این حقوق ها که تقریبا در سایر موسسات دولتی نیز مشابه هستند، کارمندان اگر در بیرون از اداره دست و پا شان به جایی بند نباشد، در شرایطی که مجبورند روغن نباتی ۲ کیلویی را به نرخ ۴۰۰ تومان، برنج را کیلویی ۹۰ تومان، پودر لباس شویی کوچک را به قیمت ۹۰ تومان، شیر خشک را ۱۶۰ تومان، هر شانه تخم مرغ را ۱۲۰ تومان، سیگار را ۴۵ تومان، کبریت را ۴۰ تومان و ... تهیه کنند، سطح زندگی شان هر روز بیشتر از پیش به سطح فقر تنزل می یابد.

وضع زندگی کارمندان موسسات خصوصی از کارمندان دولتی بهتر نیست. وجود خیل عظیم بیچاران که

اعتصاب عمومی در شیلی

جوانان و پلیس درگیری های خیابانی روی داد. مردم دست به ایجاد سنگر های خیابانی و برتاب سنگ به سوی پلیس زدند.

خواست اعتصابیون، ۳۰ درصد افزایش دستمزد، تعیین حداقل قانونی برای دستمزدها و اجرای برنامه های دولتی ایجاد اشتغال بود. اما همه این اعتصاب را اعتصابی سیاسی قلمداد کردند. اعتراضات و اعتصاب چهارشنبه گذشته، به بزرگ ترین اقدام توده ای علیه رژیم پیئوشه از ژوئیه ۱۹۸۶ بدین سو تبدیل شد.

نیروهای جبهه میپنی مانوئل رودریگز یکی از مقامات نظامی عالی رتبه شیلی را به اسارت گرفتند. دانشگاه های شیلی نیز کماکان دستخوش نا آرامی است.

در پایان یک هفته اعتراض، به دعوت "رهبری ملی زحمت کشان"، بزرگ ترین اتحادیه سندیکایی شیلی، در روز چهارشنبه هفت اکتبر یک اعتصاب عمومی زندگی را در این کشور فلج کرد. کارگران بنادر و صنایع فلز، معدنیچیان و کارگران ساختمانی و نیز کارکنان بخش دولتی بدین اعتصاب پیوستند. تصمیم به اعتصاب مورد حمایت نیروهای ایوریسیون در شیلی قرار گرفت.

در روز اعتصاب، طی زدو خورد میان مردم و پلیس، یک کودک دوساله به ضرب کلوله پلیس کشته شد. نیروهای پلیس به سوی مردم یک محله فقیرنشین در سانتیاگو آتش کشودند و در نتیجه، کودکی که در یک کلبه خوابیده بوده به قتل رسید.

در مرکز شهر سانتیاگو، میان

السالوادور:

زادروز جبهه رهایی بخش فارابوندومارتنی

دهم اکتبر، هفتمین سالگرد بنیانگذاری جبهه رهایی بخش ملی فارابوندومارتنی در السالوادور است. فارابوندومارتنی، رهبر قیام ۱۹۳۲ علیه دیکتاتوری نظامی بود که به خون کشیده شد. پس از سرکوب قیام، مارتنی را اعدام کردند. تشکیل جبهه رهایی بخش ملی فارابوندومارتنی - اف. ام. ال. ان - در دهم اکتبر ۱۹۸۰، ثمره تلاش های حزب کمونیست السالوادور و چهار سازمان مارکسیست - لنینیست دیگر بود. اف. ام. ال. ان، در طول هفت سال حیات خود به ستاد رزم خلق السالوادور برای سرنگونی رژیم آمریکایی و تشکیل دولت دمکراتیک انقلابی تبدیل شده است. مناطق وسیعی از کشور تحت کنترل اف. ام. ال. ان قرار دارند. هفته گذشته میانی از اف. ام. ال. ان به رهبری شفیق خورخه مندل، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست السالوادور و فرمانده ارتش رهایی بخش اف. ام. ال. ان، در سان سالوادور با هیات دولتی به سرپرستی دوارته رئیس جمهور مذکراتی برای تحقیق آتش پس انجام داد. امروز دیگر حتی دوارته و رژیمش هم نمی توانند حضور نیرومند اف. ام. ال. ان را نادیده بگیرند.

به مناسبت هفتمین زادروز اف. ام. ال. ان، متن یک سخنرانی از خائیم باریوس، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست السالوادور را که در سال ۱۹۸۲ ایراد شده است، و مهمترین دستاوردها و تجارب کمونیست های السالوادور در نخل به وحدت صفوف پیشاهنگ انقلابی را جمع بندی می کند، به چاپ می رسانیم. متن سخنرانی در صفحات ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ درج شده است.

برای اشتراك نشریات «کار» و «اكثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه «کار»:
۱۶ مارک	۱۴ مارک	☐ شش ماهه	☐ یک ساله
۳۰	۲۷		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه «اكثریت»:
۳۶ مارک	۳۳ مارک	☐ سه ماهه	☐ شش ماهه
۷۰	۶۴	☐ یک ساله	☐ یک ساله
۱۳۸	۱۲۵		

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 178
MONDAY, 12 OCT, 87

آدرس: **Address:**
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAQ
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید